

نامه‌های هند

سید محمود مرعشی نجفی

مقدمه

در گذشته که تلفن و تلگراف و وسایل ارتباطی جدید نبود، رابطهٔ عالمان با یکدیگر فقط از طریق نامه‌نگاری میسر بود. نامه‌های گذشتگان، اسناد فرهنگی و اجتماعی است و بخشی از تاریخ گذشته فقط با رجوع به آنها معلوم می‌شود. آنچه سپس می‌آید، شامل گزیده‌ای از نامه‌های دیار هند است که اخیراً در دسترس کتابخانهٔ مرحوم والد قدس سره قرار گرفته است. این نامه‌ها از رجال دینی و علمی سدهٔ اخیر است؛ از جمله: میر حامد حسین، سید ناصر حسین، شیخ الشریعهٔ اصفهانی، سید محمد کاظم یزدی طباطبائی، آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، سید حسن بن ابی‌القاسم طباطبائی، سید عبدالحسین طباطبائی، سید اسماعیل موسوی عاملی (ابن صدرالدین)، علی بن زین‌العابدین مازندرانی حائری، حاج میرزا محمد بن حاج میرزا محمد حسین نوری.

نظر به اهمیت این نامه‌ها، تعدادی از آنها را در ذیل می‌آوریم.



از: سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله

به: سید ناصر حسین

یوم دوشنبه ۲۳ شهر جمادی الاولی سنة ۱۳۳۸

به حضور مبارک مستطاب حجت الاسلام عماد اهل الایمان و مرجع معتقدی القرآن، مفتی الشیعة و رافع اعلام الشریعه، حامی حوزه الدین، و ساد ثغور المسلمین سید و مولینا المبرء من کلّ شیئ و المحلّی بکلّ زین السید ناصر حسین صاحب الرضوی، نجل عمدة الابرار و سید الاختیار صاحب عبقات الانوار دام ظلّه علی رؤوسنا، آمین.

قبله گاها، امید از درگاه حضرت واجب الوجود جلّ شأنه وجود مقدّس قرین صحّت و استقامت بوده باشد. بعد حقیر اسمم آقا نجفی، نسباً حسینی و از مشتغلین در نجف اشرف علی ساکنها السلام و حقیر و مرحوم ابوی از اخلاص کیشان آن قبله و کعبه هست. مدتی است می خواهم مصدّع اوقات شریف شوم، ممکن نشده است تا حال. و اکنون به دو-سه کلمه عرض می نمایم که مستدعی از مراحم شامله آن سرور می باشد که نسب شریف با ولادت با سعادت و وفات مرحوم خلد آشیان آقا طاب ثراه و قدّس الله تربته مرحمت نموده بفرستید، چون داعی مشغول می باشم به تألیف کتابی در نسب، و دیگر خواهشمندم که یک اجازه روایتی مرحمت نمائید، به جهت تیمّن و تبرک و اتصال سند به اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین و بنده در این اماکن مشرفه نایب الزیاره و دعاگو می باشم.

جواب این عریضه را مرقوم بفرمائید به این ترتیب: نجف، مدرسه قوام شیرازی، برسد به دست آقا نجفی.

حضور مبارک تمام سعادت قرین عمل و علم، نتیجه تقوی و زهد و حلم آقای حقیقی و آقازاده واجب التعظیم آقای آقا سید نصیرالدین حسین را صدیق ایشان عمدة المحققین شیخ محمدحسین شیرازی دام بقاء به عرض سلام مصدّع است.

الداعی شهاب الدین آقا نجفی الحسینی الموسوی

و ص

از: سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله

به: سید ناصر حسین

حضور مقدّس حضرت مستطاب قبله و كعبه حجت الاسلام و آيت الله بين الانام
مولانا المولوى سيّد ناصر حسين دام ظلّه و روحى فداه
السّلام على الامام الهمام و الصّارم الصّمصام و الحبر البحر القمقام، حامل علوم
اجداده عليه السلام، سلام مخلص مشتاق - ثمّ يا مولاي انت الكريم من اولاد الكرام مأمور
بالضيافة و الاكرام، فالمأمول من الشّيم المرضيه أن تمتّوا على المخلص ببعث كلمات
تشتمل على الاجازة فى الرواية على الوعد الذى صدر من حضرتكم ايام التّشرف
بسرّ من رآه، و كذا اذا امكن بعث مجلدات من العبقات، لأنّه لا وجود لها فى ايران. لا
زلتم علماً لكتب و مناراً فى البلاد. بالتّبيّ و آله الكرام و السّلام خير ختام.
الاقل المخلص المسكين شهاب الدّين الحسينى الحسنى المدعو بالتّجفى
و المكتّى بابى المعالى نجل المرحوم ثقه الاسلام السيّد شمس الدّين محمود التّسابه عفى عنه
عنوان الجواب قم ايران فلان

بسم

از: سيّد شهاب الدّين مرعى نجفى رحمته الله

به: سيّد ناصر حسين

خدمت حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمين آيت الله فى الانام، قبله و كعبه
آقاي مولوى سيّد ناصر حسين شمس العلماء روحى فداه
السّلام عليك يابن رسول الله و الرّحمة و البركة
سيّدى و مولاي و ملاذى يابن الميامين من آل طه و يس، قد استجاز العبد من
حضرتك السّنيه منذ سنين، اعنى عام تشرفكم بتلثيم العتبه العسكريه بمشهد سرّ من
رآه. فأجزتم شفاهاً و بقى امر الكتابة و ذكر الاسانيد و الطّرق الى اوان الوصول الى
الهند. و ها هو الى الآن قد مضى لها متمادية و لم افر بها و اعدة مولينا الامام الحبر
القمقام. فالمرجوّ من شيمه المرضيه ان ننجز الوعد و ننجح المأمول فإنه من اهل بيت
نيطت تهائمهم بالكرامة و لاحت على جباههم آثار الشهامة و لو على سبيل الاختصار،
يا فلان قد اجزت لك أن تروى عنى ما ارويه مراعيّاً للاحتياط و شرائط الاجازة،
لازلت عصمة و ملاذاً مستجاراً و مهحاذاً. بالتّبيّ و آله الكرام و السّلام خير ختام.

الراجی شهاب الدین ابوالمعالی المشهور بالتجفی التّسابة الحسينی المرعشی حفيد
المرحوم حجت الاسلام السید علی سید الاطباء التبریزی الخليفة سلطانی الحسينی
في ۲۴ ربيع الثاني سنة ۱۳۵۲



از: سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله

به: سید ناصر حسین

۲۹ شعبان ۱۳۵۲

حضور مقدّس حضرت مستطاب قبله و كعبه حجت الاسلام و آیت الله بين الانام
مولينا المولوى سید ناصر حسین دام ظلّه و روحی فداه
السّلام عليك يا بن رسول الله و فلذة كبده، مولای و ملاذی، رقیمة کریمه زیادت
مع الاجازة الثّریفه، کمال تشکر و دعاگوئی حاصل شد، و غرض از تصدیع آنکه
اولاً مستدعی هستم مرحمت فرموده، صورت نسب مرحوم والد قدّه و اولاد ایشان و
بنی اعمام را مرقوم فرمائید تا حقیر ثبت نمایم. چون بنده مدّتی است اشتغال به جمع
انساب و مشجّرات هاشمیّین دارم. ان شاء الله مرحمت فرموده ارسال می نمائید. و ثانیاً
آنکه يك نسخه از کتاب سبکة اللّجین و سُدور العقیان با يك کتابی که مشتمل بر
انساب سادات هند باشد، به جهت داعی ارسال فرمائید. و اگر خزانه کتب سرکار
فهرستی دارد مطبوع، به جهت حقیر ارسال فرمائید، متشکّر.
لا زلت علماً للاسلام بجدک سید الانام و السّلام خير ختام.
الراجی شهاب الدین التّجفی التّسابة الحسينی المرعشی



از: میر حامد حسین

به: سید کرامت حسین

باسمه تعالی

خدمت استادی سنادی ملاذ العلماء العظام، مرجع الکملاء الفخام، غرّة جبهة
الزّمان، حکیم دوران، ارسطو منزلت افلاطون مرتبت، علامه بی عدیل، فهامة نبیل،
حاوی المحاسن و المفاخر، حائز الفواضل و المآثر، ذوالفضل الزّاهر و الکرّم الباهر،

وارث المجد کابراً عن کابر، زبدة المصطفین جناب السید کرامت حسین ادام الله معالیهم الشریفه و انجح مآربه المنیفه بعد ابلاغ تسلیمات زاکیات و اسباغ تحیات طیبات به صد شوق لقاء پر نور و ضیاء، التماس ضراعت آنکه احقرالعباد را قبل از آنکه این دفعه شرف لثم عتبه علیه جناب آیه الله اتفاق افتاد، از نشان قیام سامی اطلاعی نبود. هر چند از بعض احباب استفسار هم رفت، لیکن از صورت بیان شأن اطمینان صورت نیست. الحال که ملتان را گذاشته شرف قیام اینجا ادراک کردم و به حال مشرح عالی واقف شدم، عریضه نیاز کلایل فضائل می‌رسد، شکر خدا که ظهور عبقات و غیره و لا جوایی و بی‌عدیلی ابناء به حدی رسیده که در بلاد شاسعه و بقاع نائیه مثل آذربایجان و عراق و غیرهما تذکار فضل و کمالش در هر مدرسه و معبد و کوجه و بازار و محافل و مجالس به شهرت تام می‌شود، و علماء اعلام عراق سر انصاف و ادعان خم کرده، پایه حق بودن آن و همچنین بی‌نظیری و لا جوایی مقرر هستند، و از جناب باری تعالی دست به دعائند که عمر مصنف علامه‌اش زیاد کند، و بقیه مجلدات عبقات را به حسن اتمام طبع فرماید. ارسال بعض تقاریظ و خطوط آنجا، مستحسن دانستم و هم در جونپور صرف برای اهتمام عبقات یک کمیته‌ای قائم شده است و آراء اصحاب آن بر ضرورت طبع و اهتمام آن کتاب لا جواب متفق شده است. شخصی بدون اظهار اسم خود به واسطه شخصی، قریب نهصد رویه برای همین کار عبقاتی را ارسال داشته. آفرین بر همت آن اجل اصحاب با آنکه به طریق واسطه به دریافت رسیده که آمدنی ایشان زیاده از صد رویه ماهوار نمی‌باشد. مجملش به حال استقصا کرده فی الجمله ظهور فضیلت حقیقه کتاب مستطاب نتیجه ثبات قدمی جناب مصنف علامه هست، و ظاهر هست که این همه مساعی، ثمره ثبات قدمی صد و بیست ساله جدّ امجد و هر دو عمّ شماسست و احوال جناب مولانا دام ظلّه بقول بعض افاضل مشابه است به میرزا محمد صاحب دهلوی در قلّت تنخواه یعنی مشاهده...^۱ و ترك منصب پانصد رویه ماهواری برای همین کار اعظم، الحق کوشش مع الثبات را اثری است جلیل و سعی خلوص را ثمره‌ای است نبیل در هر امری

۱. يك كلمه خوانده نشد.

و کاری که باشد، شنیده باشند که می‌گویند عالمی که متصدی تنزیل برق شده بود، او در اوّل امر خود آنچنان استحکام داشت که وقت اراده شروع این کار، پسر خود را همراه برده بود که اگر از من این کار سرانجام نیافت، بعد از من تو بکن! همانا او می‌دانست که شاید برق بر من بخورد. با وجود این ظنّ متأخّم به یقین عزیمت را بگذاشت و وقوع اراده را بهتر از نفس خود داشت. در حدیث هم دیده شد که مواظبت در امور در کار است. حیف از ماها این چنین طرق سالم يك قلم طریق مجانبت گرفت. الغرض چیزی که او عالم خیال کرده بود، به آن زحمت کشیده، این چنان را پدر ساخت و پسرش هم همچنان کرد، و از زیست دست شست، لکن از پس، پسرش آن کار به حسن صورت به انجام گرائید. اگر پدر نتواند، پسر تمام کند، اینجا صادق است.

این است ثبات قدم و ثمره جمیله‌اش. و غالباً تقاریر مستر بنیت که در ترغیب و تحریض مسلمانان در حیدرآباد و لکهنو و غیره کرد ملاحظه کرده باشید، در این اشخاص به چه مرتبه همت می‌باشد.

به این بعد، ولایت به اعتبار اتحاد نوعی قصد ترغیب و تحریض قومی که روزا روز در رتبه تنزلی دوان بود، ساخت. کتابی که بعضی تقاریر مستر مذکور در آن مندرج است هم مرسل سامی خدمت است، ملاحظه خواهند فرمود که به چه طور هم قاصر اهل اسلام را برانگیخته، در قلوبشان مردانگی تحصیل علم و فضل پیدا ساخته که بناء مدرسه‌ها در جاها واقع شده، چنانچه مثل حیدرآباد دکن اینجا هم مدرسه قائم خواهد شد، و امیر حسن خان - رئیس محمودآباد - دادن يك لك و پنجاه هزار روپیه منظور کرده، و به جناب سامی چیزی از این باب که ماشاءالله ثبات قدمی و همت عالیّه کنیز خانه‌زاد سامی باشد، و هم مساعدت زمان ضمیمه آن شرح دادن، مشابه به لقمان حکمت آموختن است. البتّه در امر عبقّات چیزی جرأت کرده می‌نویسم حضرت من هنوز از عبقّات طیبات...^۱



۱. متأسفانه نامه ناقص و ناتمام است و ۴ صفحه آن در همین جا تمام شده است. و دستورالعملی همراه این نامه است که در پی می‌آید.

- دستور العمل استکتاب کتب که حتّی الوسع تلقین و تفهیم آن می‌فرمایند، اگر چه ذکر آن خالی از گستاخی نیست که ملازمان عالی خود اعرف به آنند.
۱. کاغذ فرانسه عمده پایدار و مفید رونق، نه کاغذ انگریزی که پایدار نمی‌باشد.
 ۲. تقطیع همه کتب مستکتبه مناسب و خوش وضع و یکسان باشد، اگر چه بعضی قلیل الحجم و بعضی کبیر الحجم باشد.
 ۳. ریاض العلماء، اگر بر تقطیع غیر خوش وضع شروع کرده باشند، باقی را بر تقطیع مناسب نویسند، رعایت سابق نکنند.
 ۴. سطر مناسب باشد، و بین السطور گشاده، و خط جلی باشد، که به سبب ضعف بصر خواندن خطّ خفی مشکل است. خطّ جلی اگر مثل بحار، جلد سابع عشر مطبوع، نهایت خوب یا قریب، و خطّ فرق نوبختی نهایت باریک و کم‌جان است که خواندن آن مشکل است.
 ۵. روشنائی نیز رنگ و صمغ کم باشد، که به سبب آن اوراق با هم نچسبند و خراب نشود.
 ۶. هندسه صفحات بر منقول گذارند.
 ۷. و اگر هندسه اصل کتاب هم هر جا که در نقل سرصفحه واقع نشود بنویسند، نهایت خوب است. اگر اصل هندسه نداشته باشد، بر اصل هندسه بنویسند که هندسه از عمده ضروریات کتاب است. مثلاً هندسه اصل در بین سطر نقل است، مثلاً بر لفظ قال ع^{۱۳} همانجا — کشیده هندسه اصل در متن، و هم بر حاشیه نویسند.
 ۸. فهرس اگر در اصل کتاب باشد، آن هم منقول شود، ورنه اگر ناسخ و کاتب جدید، فهم داشته باشد، فهرس ابواب و فصول و عنوانات، خود بنویسد در اوّل هر کتاب، اجرت خواهد یافت.
 ۹. اگر بر اصل کدامی حاشیه با فائده به این‌طور باشد، آن را هم ضرور نقل کند. و اگر کاتب ذی‌فهم خود به این‌طور بر حاشیه فوائد و عنوانات تواند نوشت، خود بنویسد، اگر چه در اصل نباشد. در این صورت بابت این عنوانات اجرت علی‌حده داده شود.
 ۱۰. فهرس کتب رجال، خصوصاً آنچه بر طبقات است، بسیار ضرور است، و آنچه بر حروف معجم مرتب است، در آن هم فهرس معین سهولت استخراج می‌شود.

۱۱. خطّ کاتب خوش‌نما و با رونق باشد، و اگر احیاناً به دست ناید و مثل خطّ فرق نوبختی باشد که خوش‌نما نیست، پس باز هم تأکید رود که جلی و با شأن نوشته باشد و حروف را مندمج نسازد و نقطه‌ها را علی‌حدّه - علی‌حدّه بگذارد، تا يك نقطه از دو متمیّز شود و نقطه بر محلّ خود باشد، مثل آنکه در لفظ نقطه، نقطه نون مقابل نون باشد، و هر دو نقطه قاف مقابل قاف و علی‌حدّه باشد.

خلاصه به سبب ضعف قوی، اگر در کتاب رعایت این امور نباشد، وقت مطالعه، ضیق قلب رو می‌دهد، و از مقصود باز می‌دارد.

۱۲. اگر مجموعه باشد مشتمل بر چند رساله، در آن بر هر رساله هندسه علی‌حدّه گذارند و فهرس مجموعه در اوّل بنویسند و يك هندسه برای کلّ مجموع بر کنار دیگر گذاشته شود.

۱۳. در ابواب و فصول و عنوانات شنجرف ضرور است و در مقام دیگر شنجرف نکنند که عادت بعض کتاب است که بی محلّ خطوط شنجرف می‌گذارند، احتراز از آن ضرور است.

۱۴. اگر ریاض‌العلماء، اصل خوش تقطیع باشد، نقل آن موافق آن تقطیع و آن مسطر نوشته شود. به این معنی که سطر موافق سطر و صفحه موافق صفحه. این رعایت باعث بر زیادت صحت، و عدم ترك سطری از سطور خواهد شد. لکن در نقل دیگر مختصرات این رعایت نباید فرمود که تقطیع آنها مختلف باشد. و بودن نقل‌ها بر يك تقطیع مطلوب است، نه بر تقطیع‌های مختلفه.



از: میر حامد حسین

به: خان بهادر میرزا محمد در بغداد

دام اقبالکم و اجلالکم

بعد سلام مسنون شوق مشحون التماس آنکه قبل از این در باب طبع مجلّدات عیقات اهتمام و التفات و التماس به خدمت احباب رفیع الدرّجات کم بود، به این خیال که از طرف اخراجات روزمره ذاقی اطمینان و سکون بال حاصل نبود. حالا که به عنایت و مساعی جمیله ملازمان عالی از این طرف بحمد الله المتّان بنایت فراغ

خاطر اطمینان حاصل است، لهذا سعی و اهتمام و دعوت عام را در باب اشاعت و طبع مجلّات عقبات اهمّ مهمام و عمدۀ واجبات و متحتّمات شعائر ایمان و اسلام می‌دانم، و در صورت اعراض و تقصیر خوف مؤاخذه کبیر است؛ زیرا که حالا خوف آنکه مبلغی اگر کسی برای این خطب عظیم مهیا سازد، به صرف ذاتی من برسد، مرتفع است. پس حالا سکوت و صموت در این باب محمول بر طریقه صوقیۀ خشک خواهد بود، که ترویج دین را هم داخل دنیا ساخته از آن اعراض می‌نمایند، و به زهد بی‌معنی مشغول می‌باشند. و عمدۀ اسباب ترویج و اشاعت عقبات به ذهن ناقص آن است که ملازمان عالی و هم راجه غضنفر حسین صاحب چنانچه مکرّر فرموده‌اند، در این باب دیگر اکابر و اعظام را در وقت اجتماع در لکهنو داعی، و در انقاد این مهمّ عظیم و تکمیل این خطب فخیم ساعی شوند، که به سبب عظمت شأن و جلالت مکان ملازمان عالی و جناب راجه صاحب ممدوح، امر بالا خواهد گرفت، و کلمه و کلام در این باب مسموع خواهد شد. مگر ظاهر نیست که به سبب سعی بلند صاحب، یک و نیم لکّه رویه را از یک ریاست، و ده هزار را اشخاص متعدّد و عده می‌نمایند، پس چه عجب است که به سبب ارشادات و مواعظ و تأکیدات و نصایح جناب عالی و راجه صاحب ممدوح، به عشر این وعده مائل و به خردی بسیر آئل شوند، لکن چون ملازمان عالی در اوقات اقامت لکهنو از بیت الاحزان فقیر به فاصله بعید تشریف‌فرما می‌شوند، به این سبب از برکات و فیوض ملازمان عالی محروم می‌مانیم. اگر قریب نخاس مکانی را مشرف سازند، کارها برآید، و امور متسنّنه به فضل الهی درست شود، که قرب را ابار و ثمرات بی‌انتهاست، و قرب اغیار مثمر ثمرات جلیله و منتج فواید عظیمه. چه جا قرب مثل ملازمان عالی که لطف و نوازش و کرم عنایت جناب را به حال این متشتت البال، حدّی و پایانی نیست.

فجزاکم الله عن اهل البيت خیر الجزاء و اسغ علیکم جلیل النعماء و جمیل الآلاء.

بسم

از: میر حامد حسین

به: الطاف حسین خان صاحب

ادام الله اقبالهم و اجلالهم

... الطاف حسین خان صاحب صدرنشین اریکۂ اقبال مرجع اهل کمال عالیجناب
معلی القاب عمدة الارکان عین الاعیان

بعد سلام مسنون شوق التماس می‌رود که بحمدالله و حسن توفیقه حال فقیر قرین
خیر و عافیت است. دیری است که از احوال سامی جناب اطلاعی نرسیده، رجا از
توجه و التفات می‌دارم که از حالات خبریت مهمات اطلاع فرمایند. در این زمان
برکت اقتران، طبع جلد ثانی حدیث غدیر از کتاب عقبات الانوار فی اثبات الأئمة
الاطهار، که کتابی است حافل و کافل به دفع شبهات جمیع متقدمین و متأخرین سنیان
علی الخصوص باب الامامة تحفه عزیزیه است و به الطاف ربانیّه و تأییدات فوقانیّه
منتخبات مکّه معظمه زاده‌ها الله شرفاً و کرامه و منتخبات کتبخانه مدینه منوره علی رافدها
آلاف التحية الى يوم القيامة و منتخبات کتب نجف اشرف و کربلای معلی و دیگر مواطن
که در وقت حبه سامی در آن بلاد مقدسه انتخاب کرده بودم، در آن داخل شده،
قریب شروع است. اگر ملازمان عالی اعانتی در طبع این کتاب مبذول فرمایند، مثوبه
اسنی و عایده امهی در جریده اعمال ملازمان ثبت خواهد شد. و این اعانت دین و
دبّ حریم اسلام، اگر از جناب سامی سرزند، ذکر جمیل علی مرالدهور، ذکر العصور
و تواتر اللیالی و الايام و تعاقب الشهور و الاعوام ساری دسائر و جاری دوائر
خواهد شد، و برکت توجهات باطنیه و عنایات خفیه جناب. طبع این کتاب به هر
حال می‌شود مگر به اعانت جناب سامی برکت را نداء و سعادت وافر حاصل
خواهد شد که جمال ظاهر به عمدگی کاغذ و رستاقت کتابت و حسن خط، که
موجب رغبت و میلان قلوب می‌شود، پیدا خواهد گردید. بالجمله در این زمان که
نجوم و شموع زاهده دین رو به افول و خمود آورده، اعانت در طبع این کتاب
فرمودن، احیاء دین و حمایت حق و حفاظت و یاری مذهب و اعلائی کلمه حق
فرمودن است، و جزائی که برین مترتب خواهد شد، جز ارحم الراحمین که می‌داند،
ان شاء الله به روز قیام اجر آن از ملك العالم خواهد یافت.

اعمال العباد فی عاجلهم نصبك اعینهم فی اجالهم فقط

سجع مهر مربع

«لا إله الا الله العلي، عبده مير حامد حسين بن العلامة السيد محمد قلي»



از: میر حامد حسین

به: شرف الدین (?)

خط مسرت غلط رسید، خطی که قبل از آن نوشتند متضمن رسید عبات نرسید. مضامین اگر خواسته باشند اعاده فرمایند. مطاعن معاویه در تشیید المطاعن، جلد ثانی جد امجد طاب ثراه مفصل مذکور است. نسخه چاپیه آن موجود نیست.

در جگرنوضلع لودیانه از خدمت مولوی شریف حسین صاحب مع جلد اول تشیید المطاعن به قیمت شاید به دست آید. کتاب مناقب که ذکرش سابقاً نوشته بودند، يك ورق اول آن ارسال فرمایند تا دیده شود که چه کتاب است. اسم آن که تحریر فرمودند شنیده نشد و نه در تصنیفات سیوطی دیده شد. کتبخانه بدرالدوله مفتی مندراس در مندراس در آن بعض کتب که نقل آن می‌خواهم، موجود است. و با صاحب زاده‌شان مولوی سعید صاحب تعارف حاصل است. اگر جناب سامی کاتبی را مقرر سازند کس صحیح‌نویس باشد، گو بد خط باشد، بعض کتب نویسانده شود و جلد حدیث غدیر که مکرر رفته است به کدامی صاحب استحقاق بدهند که این جلد وقف است و هم جلدی که به خدمت شریف رسیده واپس کردن ضرورت ندارد. اگر کدامی کتاب حدیث یا رجال یا مناقب در آنجا به معرض بیع باشد یا نزد کسی صاحب علم باشد، از اسامی آن مع حال مفصل مطلع فرمایند. و از فهرس کتب مطبوعه مندراس هم اطلاع رود، سابقاً صحیفه شریفه و عنیقه انیقه متضمن وعده اعانت در باب عبات الانوار ورود فرموده، مسرور و مبتهج فرموده بود. غرض عمده در این باب، آن بود که بعضی امرا و تجار را که در امور خیر مبالغه خطیر صرف می‌کنند، اگر ثنیه و تذکیر کرده شود، غالباً به این امر جلیل الشان که از حقیقت آن واقف نیستند، متوجه شوند و نیز در باب سید ناصر حسین سلمه الله تعالی که پسر بزرگ حقیراند می‌خواهم فکری کنم که از دو سال نهایت علیل و مریضم، و حیات را اعتباری نه. اگر سفارشی به نام کمشنر لکهنو یا دهی کمشنر باهاس فورت که جهتم وثیقه حسین آباد لکهنوست به ذریعه جناب حاصل شود، شاید کاری برآید. و هرچند درخواست چنین امور با وصف تعارفات ظاهریه مستبعد می‌نماید، لکن چون غرض از آن محض ترویج دین است، بعض اوقات علاقه باطنی به مراتب بالاتر و مؤثرتر بر تعارفات ظاهریه می‌باشد.

از: میر حامد حسین

به: سید مظفر حسین صاحب

شفیق مکرم عنایت فرمای معظم سید مظفر حسین صاحب زادت الطافه بعد سلام، التماس آنکه قبل از این خطی به خدمت سامی مرسل شده، ظاهراً تلف شد. خلاصه والده شما عجب بیداد آغاز نهاده‌اند که زبان بیان از آن قاصر است. اهل خانه شما اولاً قریب به هلاکت بودند، اینجا آمدند، و به عنایت الهی صحت حاصل شد. باز نزد والده ماجده شما فرستاده شد. باز اوشان را تنها گذاشته و تزیق در ماکل و مشرب به غایت رسانیده به مفتی گنج رفتند. این بیچاره باز به مرض مهلك به سبب ناسازی غذا گرفتار شد. همشیره معظمه شما به اصرار و استخاره علی ما سمع مکرراً اهل خانه شما را روانه خانه من ساختند. باز به عنایت الهی، از آن مرض نجات حاصل شد. والده ماجده شما به این سبب نهایت مبغض و ناراض شدند، و نوبت به سب و شتم ما مردم به هم رسانیدند و هیچ دقیقه بی‌حرمتی نگذاشتند، چنانچه مکرراً شنیده شد. غرض ما را جای شکایت نیست که در این عالم از کسی توقع نداریم، شما هم از جمله ایشان باشید. لکن عجیب است از سعادتندی و تقوی و ورع و تدین و تقدس و خداترسی و گریه و زاری به خوف باری که شما به آن ائصاف دارید که راضی شوید بر این ظلم عظیم بر زوجه خود، و این همه مظالم. گویا به چشم خود معین شد و آنچه در آگره بر او رفته، تفصیل بعضی آن زبانی حاجی سید محمد صاحب معلوم شد و هم زبانی دیگر نسوان و رجال که حاضر آنجا بودند. غرض که اطاعت والده در امور غیر محرّمه باید، نه در حرام محض و ظلم بحت که اصلاً شرعاً و عقلاً و عرفاً و جهی از جواز ندارد؛ بلکه چنین اطاعت در شرع محض مذموم و ملوم، بلکه محض مخالفت حیّ قیوم و نبی معصوم صلی الله علیه و آله است و حضرات ائمه است. آخر زوجه شما هم از اولاد حضرات معصومین است، رعایت سیادت باید کرد. و از چنین جور و جفا که بر کفار هم روا نباید داشت، باید گذشت. طرفه این است که با این همه ظلم و حیف، ترانه انصاف و رعایت و لطف و محبت و خداترسی می‌سرایند؛ یعنی والده شما بی‌باکانه ما مردم را مورد غضب و عتاب می‌سازند.

هر دم آرزو کی غیر سبب را چه علاج ما گذشتیم ز لطف تو غضب را چه علاج

و حالا جناب میر لطف الله صاحب اهل خانه شما را به وطن می‌برند که چاره جز این نیست و معیت با والده شما غیر ممکن. اگر شما چاره داشته باشید، علاج بکنند؛ یعنی همراه خود دارند، یا تدبیری دیگر کنند.

و ائما نشکو حزنی و بئى الى الله، و حسبنا و نعم الوکیل و لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم، و ما اردت الاّ الاصلاح ما استطعت، و ما توفیقی الاّ بالله.



از: میر حامد حسین

به: منشی کریم علی صاحب

عالی جناب معلى الالتاب عمدة الارکان عین الاعیان صدرنشین اریکه اقبال مرجع اهل الفضل و الکمال منشی کریم علی صاحب ادام الله اقبالهم و اجلالهم بعد سلام مسنون شوق، التماس می‌رود که بجمداً الله و حسن توفیقه حال فقیر قرین خیر و عافیت است. دیری است که از احوال سامی جناب اطلاع نرسیده، رجاء از توجه و الطاف می‌دارم که از حالات خیریت سمات اطلاع فرمایند، و در این زمان برکت اقتران، طبع جلد ثانی حدیث غدیر از کتاب *عبارات الانوار فی اثبات امامة الائمة الاطهار* که کتابی است حافل و کافل به دفع شبهات جمیع متقدمین و متأخرین سنیان، علی الخصوص باب الامامة، تحفه عزیزیه است. و به الطاف ربانیّه و تأییدات فوقانیّه منتخبات مکه معظمه زادها الله شرفاً و کرامه و منتخبات کتبخانه مدینه منوره علی راقدها آلف التحیة الی یوم القیامة و منتخبات کتب نجف اشرف و کربلاى معلی و دیگر موطن که در وقت حبه سالی در آن بلاد مقدسه انتخاب کرده بودم، در آن داخل شده، قریب شروع است. اگر ملازمان عالی اعانتی در طبع این کتاب مبذول فرمایند، مثوبه اسنی و عائده ایهی در جریده اعمال ملازمان ثبت خواهد شد. و این اعانت دین و تشیید ارکان ایمان و قرب حریم اسلام، اگر از جناب سامی سرزند، ذکر جمیل علی مرّ الدهور، ذکر العصور و تواتر اللیالی و الایام و تعاقب الشهور و الاعوام ساری و سائر و جاری و دائر باشد.

و به برکت توجهات باطنیه و عنایات خفیه جناب طبع این کتاب به هر نوع شروع می‌شود، مگر به اعانت جناب سامی، برکت زاید و سعادت وافر

حاصل خواهد شد که جمال ظاهر به عمدگی کاغذ و رساقت کتابت و حسن خط که موجب رغبت و میلان قلوب می شود، پیدا خواهد گردید. بالجمله در مثل این زمان که نجوم و شموع زاهده دین رو به افول و خمود آورده، اعانت در طبع این کتاب فرمودن، احیاء دین و حمایت حق و حفاظت دمار مذهب و اعلاء کلمه حق فرمودن است، و ثواب و جزایی که بر این مترتب خواهد شد، جز ارحم الراحمین که می داند، ان شاء الله به روز قیام اجر آن از ملك العالَم خواهند یافت. اعمال العباد فی عاجلهم نصب اعینهم فی اجالهم.

مهر: «لا اله الا الله العلی

عبده حامد حسین بن العلامه السید محمد قلی»



از: میر حامد حسین

به: '۱' درباره ملك الاطبا و سید الحکما

بعد ابلاغ تحیّات وافره و اسباغ اشواق متکاتره، التماس آنکه جناب حبر المعی و نحریر لودعی، فخر اهل تحقیق، صدر ارباب تدقیق، کاشف اسرار طبّ روحانی و جسمانی، خائض غمار معالجات برطیه و یونانی، المظهر لعجائب التّدیر و العلاج المفصح عن روائع التأثير و اصلاح المزاج المبدی لما هو شبيهة بالخوارق و الجرائح الکرامات المتقن المبهر من غوامض الطبّ و الحکمة بأبهر العقول القادسات ملك الاطبا، سید الحکما جناب السید...^۲ دامت معالیه و بورك ایامه و لیالیه حسب طلب بعض اکابر و اعیان والا شأن وارد آن بلد مجمع اهل ایمان می شوند، به حقیقت بخت حیدرآباد فیض بنیاد در این ایام میمنت انجام بیدار است و آثار ترقی و تعلی و ارتفاع مدارج و ارتقاء معارج آن هویدا و آشکار که اعیان آن مثل چنین وحید عصر

۱. این نامه ظاهراً به صاحب حیدرآباد نوشته شده است. و درباره جدّ آیت الله العظمی مرعشی

نجفی رحمته الله جناب علامه سید شرف الدین سید علی مرعشی معروف به سید الاطبا و سید الحکماست.

۲. چون ایشان به سید الاطبا و سید الحکما مشهور بوده اند، طبیعی است که اسمشان به خاطر

نیامده و جای آن سفید مانده است.

و فرید دهر را به قدردانی تمام و معرفت نیک انجام و رغبت و میلان و جنوح و رکون مالاکلام طالب و به قدوم میمنت لزوم چنین حاذق دوران و فائق اقران مائل و راغب - فجزاهم الله خیر الجزاء و صانهم و کلاهم من کلّ بؤس و لأواء- و علاوه بر کمال حذق و مهارت و فرید اتقان صنعت و حیازت بصارت و شهرت تامّه در بلاد و امصار و ارتفاع ذکر در نواحی و اقطار جناب سیّد الحکما را بحمدالله و حسن توفیقه نهایت تدبّین و تورّع و خداپرستی و حق شناسی و حبّ ترویج دین و تأیید طریقه حقّه اهل بیت معصومین علیهم السلام و کمال شغف و رأفت بر ضعفای مؤمنین و خلوص نیّت و صفای طویّت و علوّ همّت و سموّ نهمت و جلالت و نبالت خاندان و عظمت بین الاجلّه و الاعیان به مثابه حاصل است که توجّه باطنی ایشان کار دیگر می‌کند که برای دیگر ارباب عصر کمتر حاصل می‌شود. ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء، و الله ذوالفضل العظیم.

خلاصه مرجو از اخلاق کریمه و عنایات صمیمه ملازمان عالی آن است که به مفاد القادم یزار، جناب سیّد الحکما را به مقدم شریف مسرور و مبتهج فرمایند که جنابشان از عنایت فرمایان قدیم و شفیقان صمیم این خاکساراند. هر قدر بذل عنایت در تبجیل و اکرام و اجلال و اعظام و اعلائی قدر و احترام و اشاعت ذکر جمیلشان در میان خواص و عوام خواهند فرمود، عین منّت و احسان بر این کثیر العصیان است، و ان شاء الله تعالی بعد حصول موافقات و ملاقات فضائل رائعه و مناقب ناصعه سیّد الحکما دامت مکارمه خود به خود بر ملازمان عالی واضح خواهد شد و مصداق یصغی الخبر عند الخبر ظاهر گردد. و امید از الطاف نامتناهی الهیه آن است که اگر اقامت جناب سیّد الحکما دامت مکارمه در آن دیار اتفاق افتد، برای ترویج شعائر دین و حفظ مؤمنین از امراض ظاهریّه و باطنیّه سببی عظیم و باعثی فخیم پیدا گردد. و ما ذلك علی الله بعزیز ان ارید الاّ لاصلاح ما استطعت، و ما توفیقی الاّ بالله، علیه توکلّت و الیه انیب.

امضای حامد حسین



از: سیّد محمد نصیر موسوی

به: سیّد ناصر حسین

باسمه سبحانه

جناب سرکار شریعتمدار حجّة الاسلام و المسلمین نجم الملة و الدین، صدر المحققین ادام الله ظلکم العالی علی رؤوس الموالی مادامت الايام و اللیالی به عزّ عرض عالی می‌رساند، که اولاً عمده مطالب استمزاج مزاج سرکار عالی است. و ثانیاً اینکه تعلیقۀ انیقۀ جناب عالی صادر شده، خیلی مرا مسرور کرد، خصوصاً ذکر صحبت فضائل بسیار محظوظ نمود. خداوند عالم سایه عاطفت سرکار عالی را از سر ما خصوصاً و جمیع شیعیان عموماً کم نکند، آمین. از آنجا یک عریضه در هفته مختتمه به جناب سرکار ارسال نمودم، امید که رسیده باشد. روز جمعه سابقه، جناب مولوی صاحب هم مشرف شدند و بعضی علما و اعلام را خبر دادند و آنها مرا مشرف فرمودند و اسم‌های بعضی علما که تا امروز مرا مشرف فرمودند، علاوه طلبیه می‌نویسم. سرکار شریعتمدار حجّت الاسلام آقای شیخ الشریعۀ اصفهانی که اعظم علماء آنجا هستند، و در علم رجال خیلی ید طولی دارند؛ و حجّت الاسلام آقا سیّد علی داماد؛ و حجّت الاسلام آقا سیّد مصطفی کاشی که در عربیّه و ادبیّه خیلی ملکه تامه دارند؛ و جناب سرکار آقا شیخ علی آل کاشف الغطاء که در علم رجال و تاریخ نظیر ندارند، و مشغول هستند در تصنیف کتاب مبسوط که ان شاء الله تعالی به سی مجلد می‌رسد، و خیلی اصرار فرمودند که ترجمه جناب جدّ امجد مفتی صاحب اعلی الله مقامه و ترجمه جناب فردوس مآب اعلی الله مقامه و ترجمه جناب سرکار عالی مدّ الله ظلکم العالی را خیلی زود بطلبید تا که درج کتاب که تصنیف می‌کنم، نمایم. و فرمودند که همراه ترجمه، مراسلات و قصائد منتخبه هم بفرستید و خیلی سلام اخلاص و شوق فرمودند. و ان شاء الله، اسم‌های آن کسانی که در این هفته می‌آیند، باز می‌نویسم. و جناب مولوی صاحب قبله کار درس ما سپرد کردند به جناب آقا سیّد جعفر جهرمی که ارشد تلامیذ جناب آقای شیخ الشریعه هستند و تلمیذ جناب آخوند مرحوم هم هستند، و خیلی مرد فاضل جید هستند، و به جناب عالی مراسله هم دارند. من هر روز به خدمت ایشان برای درس می‌روم و تقریر ایشان خیلی خوشم می‌آید.

امروز صبح جناب سیّد صاحب مع جمیع همراهیان روانه کربلا شدند، و بعد سه-چهار روز روانه کاظمیه علیه السلام می‌شوند. و من در خانه خودم که به اجاره گرفته‌ام آمدم، و جناب مولوی صاحب قبله هم در همین مکان، بعد دو-سه روز مستقلاً آن شاء الله خواهند آمد همراه بنده.

- و آن کتب را فرمودند که بطلبید، فلذا ترجمه و آن کتب خیلی زود بفرستید.
۱. اطباق الذهب، که نزد میرزا کاظم محمد صاحب هست، مال بنده، طبع بیروت.
 ۲. رسائل ابوبکر خوارزمی.
 ۳. مقامات بدیعی مشرح، طبع بیروت.
 ۴. قوانین و شرح معه، چاپ عبدالرحیم، که آنجا خیلی مرغوب است، می‌خواهم بخرم.
 ۵. عقبات، برای تقسیم علماء اعلام.
- و هرچه جناب عالی در کتب ترسّل و ان شاء الله مناسب حال بنده بدانید، بفرستید. در خدمت جمیع حضرات عرض سلام بفرمائید. وقت تنگ است، ان شاء الله تعالی باز می‌نویسم.

عریضه حقیر نصیر، از نجف اشرف،

۲۴ محرم سنة ۱۳۳۱ مطابق ۳ جنوری (ژانویه) ۱۹۱۳



از: نقوی کابلی، سیّد علم الهدی

به: سیّد ناصر حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

آستان مبارک حضرت حجة الاسلام بالاستحقاق سرکار آقای آقا سیّد ناصر حسین دامت برکاته علی رؤوس الأنام الحمد لله الذي جعل الأنبياء أعلام الهداية لقوم يؤمنون و وصل لهم القول بامام بعد امام لعلمهم يتذكرون و الصلاة و السلام على أشرف سفرائه مركز دائرة العرفان محمد المبعوث بكل لسان و على أوصيائه الهادين أمناء الرحمن سيما على المدخر لتجديد الفرائض و السنن القائم المنتظر و الامام الثاني عشر و اللعنة على أعدائهم مادامت السماء مزينة بالشمس و القمر و بعد

سلام علی المولی الذی أنا عبده و حق لمثلی أن یکون له عبداً
 گرچه در ظاهر تاکنون توفیقم رهنمون به عرض عریضه به آستان مقدس
 نگردیده و نتوانسته‌ام در قلب منیر جایی و در ضمیر محبت تخمیر مأوایی گزینم و
 در اثر سوء حظی که لازم لا ینفک من است از مشرب عذب مکتوب خصوصی آن
 آموزگار یگانه لبی تر نکرده لکن به مفاد حدیث شریف الأرواح جنود مجتدة.
 یجن إلیک القلب فی کل غدوة و یشغلنی ذکراک کل مساء
 و لله در من قال

إن كنت لست معی فالذکر منک معی یراک قلبی و إن غیبت عن حضری
 فالعین تبصر من هوی و تفقده و مشاغل القلب لا یخلو عن النظر

محبت و مودت امثال حضرتت که به نیروی بنان و بیان ینفون تحریف الغالین و
 انتحال المبطلین و یحفظون ثغور الدین عن هجوم مرده الشیاطین الذین مدادهم افضل
 من دماء الشهداء و بهم یحیی الله ما درس من آثار الأنبیاء علاوه از فرمان مطاع ﴿قل
 لا أسئلكم علیه أجراً الا المودة فی القربی﴾ بر هر کسی واجب و حتم است اینک علت
 این تصدیع علاوه از آنکه موجب فتح باب مکاتبه و سبب استفاده از آثار قلم مبارک
 شیم است آنکه اولاً مکتوب جوف متعلق به حضرت مستطاب نقاد بصیر و نسابه
 خیر السید شهاب الدین الحسینی المرعشی است که ملتمس ایشان و بنده این است
 که به اسرع وقت جواب او را مرقوم دارید و بر ما منت گذارید ثانیاً سلسله اجازه
 حضرتت را از طریق حضرت والد ماجد متصلاً معنعناً جهت خود حقیر مرقوم
 فرموده با جواب رقیمه سید معظم له به عنوان ذیل سریعاً ارسال فرمائید (ایران
 دولت آباد ملایر الحاج سید علم الهدی النقی النقبلی) به ما خواهد رسید در پایان
 عریضه بقای وجود فیاض را خواستار و ارجاع اوامر مطاعه را مترصد و ارسال
 آنچه معروض افتاد در اسرع وقت منتظرم متیناً و متذیباً این حدیث شریف را که
 در کافی شریف است عرضه می‌دارم ردّ الكتابة واجب کوجوب ردّ السلام مستدعی
 است تاریخ مسافرت اخیر والد ماجد طاب الله ثراه را به اعتاب مقدسه سنه و شهراً
 و یوماً نیز مرقوم دارید علم الهدی النقی.

چون ظن غالب من این است که رساله شریفه شاخه طوبی را که از مؤلفات علامه نوری رضوان الله علیه که از والد ماجد سرکار طاب الله ثراه مجازند کتباً و شفاهاً که این رساله در کمال لطافت و ظرافت نوشته شده است و من بحمد الله و حسن اعانته در این اوان ظفر یافته او را استنساخ کرده‌ام و نزد داعی موجود است تا حال ندیده‌اید برای استحضار خاطر مبارك مخبراً عرض شد که فعلاً آنچه مستحضرم دو نسخه فعلاً در دنیا بیشتر از آن موجود نیست یکی نسخه اصل به خط مؤلف یکی دیگر نزد دعاگوی است هرگاه میل داشته باشید مرقوم دارید که استنساخ شده ارسال دارم قطراً قرب يك و نیم زاد المعاد قطع کوچک مرحوم مجلسی می‌باشد تحقیقاً بر حسب بیت نمی‌دانم.



از: تقوی کابلی، علم الهدی

به: سید ناصر حسین

حضور مبارك حضرت حجة الاسلام بالاستحقاق سرکار آقای سید ناصر حسین
دامت برکاته علی رؤوس الآفاق

السلام عليك يا ابن رسول الله و علی آباءك المعصومين المظلومين و علی من
لاذبك من أهل الدین عجل الله لكم الفرج و الدولة و أسئله أن يرينا فيكم ذلك و في
أعدائكم و مخالفكم اللعنة و الحزى و الذلّة من العبد المجرّد عن المسّمى و المسّمى
العاری عن المفهوم المعترّبة في المعنى إلى منار التقى و قطب رحاء الفضل و العلى و
المجرّد عن قيد الهوى.

و صان في الفحشاء نفساً زکیّةً أبت همّه إلاّ العلى و المعالیا

له همّة تعلو علی کل همّة كما قد علی بدر النجوم الذراریا

بعد از تقدیم مراسم اخلاص آنچه سزاوار مقام آن عالی مقام است به شرف
عرض می‌رساند که لازال دوام وجود مقدس را بر مسند عزّ ترویج شرع و تکفّل
ایتام آل محمد ﷺ الذين انقطعوا عن امام زمانهم از خدای منان خواستار بوده و
هستم و ایقنت انّ الله یقبل تسألی و أمّا ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض سیّدی و
ابن سادتی در اوائل شهر محرم عریضه به توسط پست عرض شده است امروز هم که

شنبه نهم ربیع الأوّل و بنا بر روایت احمد بن اسحاق قمی و بسی روز عید و یوم مبارکی است به این مختصر مصدع شدم که خود را یادآور خاطر عاطر نموده باشم چون جواب از طرف قرین الشرف تا حال نرسیده مذکراً یادآوری کنم که در عریضه سابق عرض شده بود که دو سه نسخه از رساله شریفه / فحام / المخصوص فی نفی عقد أم کلثوم که از آثار قلم شریف است علی ما بلغنا به توسط پست به عنوان مطبوعات ارسال دارید که چشم ناظرین به دیدن آن روشن و قلوب موالی به مطالعه اش خورسند گردد چون اسمی از این اوراق شریفه شنیده شده است و در ایران پیدا نمی شود بعد از تفحص طریق حصولش را منحصر به استدعا از آستان مبارک دانستیم که یک نسخه آن را حضرت مستطاب ملاذ الأنام و سیّد الفضلاء الأعلام آقای آقا سیّد شهاب الدین الحسینی المرعشی نزیل قم استدعا کرده بودند کما اینکه در عریضه سابق خط خود ایشان مجوّفاً ارسال حضور مبارک شده است و یک نسخه هم برای خود این بی مقدار استدعا شده بود و حضرت حجة الاسلام سرکار آقای حاج آقا حسین طباطبایی دامت برکاته ساکن بروجرد در ضمن بعضی از مکاتیب شان مرقوم داشته بودند بعد از آنکه من ایشان را بشارت به تنظیم این نسخه شریفه داده بودم این معنی را قلمی فرموده اند به دعاگو که اگر این تألیف مبارک رسید به اسرع وقت به من برسانید که زیارتش مشرف شویم این عریضه را راجیاً مستدعیاً در تعقیب عریضه سابق مذکراً عرضه داشتیم که شاید از کثرت مشاغل فراموش شده باشد روی مرسوله همین قدر که مرقوم شود ایران دولت آباد ملایر به علم الهدی نقوی برسد بلا تردید می رسد در خاتمه بقاء آن ذات مقدس را از خداوند سائل و اجابت دعوات آن بزرگوار را در حق خود مایلم چون گرفتاری و تراکم هموم و غموم نوعی و شخصی دینی و دنیوی فوق العاده متهاجم است فتنه عمیاء و ظلماء ظلمات بعضها فوق بعض إذا أخرج هذه لم یکد یراه الأحقر علم الهدی النقوی به قربانت.

بسم

از: نمازی غروی، میرزا فتح الله (شیخ الشریعه اصفهانی)

به: سیّد ناصر حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

سرکار شریعتمدار عمده العلماء المحققین و زبدة الفضلاء المدققین قدوة الأجلاء المتکلمین ناصر الملة و الدين آقاي سيّد ناصر حسين وقاه الله من كلّ ضر و شين و حباه بكل ما تقرّ به العين

به عرض می‌رساند امید است ساعات سعادت ایاب و اوقات توفیق سمات مصروف طاعات و عبادات و قضاء حاجات و ترویج شرع شریف و اعانه ملهوف و ضعیف بوده و باشد رقیمه کریمه کاشفه از کمال لطف و مودت و اشفاق و مرحمت مسرت بخش خاطر این مهجور گردید و مضامین شیرین نمکین دلنشین مندرجه او کمال انبساط و بهجت بخشید و دعاگویی که شیوه قدیمه دیرینه این مهجور بود به مضاعفه انجمید حقیقت آن است که غالب اوقات به ذکر اوصاف حمیده و مصنفات سدیده مرحومین مبرورین جدّ امجد و والد ماجد و خدمات و زحمات آن دو بزرگوار در اتقان عقائد مذهب جعفری و ذبّ از مقاصد دین و طریقه اثنا عشری و طلب مغفرت و رفع درجات آنها و دعاء طول حیات و کثرت توفیق و تأیید و تسدید سرکار که فعلاً نشر اینگونه امور و کسر ظهور جمهور به آن جناب قائم است اشتغال داشته از مراتب مرقومه کوتاهی نشده و نخواهد شد ان شاء الله تعالی بسیار بسیار مشتاق ملاقات هستم مطلب مندرج در کتاب مستطاب امتثال شد از مصنفات علامه مرحوم جلدین استقصاء الأفحام و دو جلد حدیث منزلت و مجلد باب مدینه مرسله سرکار و جلد ثانی و ثالث از حدیث غدیر و از مصنفات مرحوم جد کتاب تشیید المطاعن نزد این ضعیف حاضر است و از برای فروش هم در این صفحات یافت نمی‌شود و الاّ خریده شده بود هرگاه بعضی از آنها که اینجا نیست سهل باشد فرستادن آنها بر سرکار روانه فرمائید کمال متّت بر این ضعیف خواهید داشت ولو به آنکه قیمت آنها را حواله بفرمائید به آورنده تسلیم کنم یا آنکه از تجّار حواله آنجا گرفته بفرستم زیاده جز التماس دعا در مظان اجابت عرضی نیست و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

من الجانی الحاج المیرزا فتح الله الغروی الاصبحانی

المشتهر بشیخ الشریعة عفی الله عن جرائمه الفطیعة



از: سید محمد نصیر موسوی

به: سید ناصر حسین

باسمه سبحانه

جناب آیت الله فی العالمین حجة علی الجاحدین نجم الملة و الدین صدر المحققین دام
ظلمکم العالی بدوام الايام و اللیالی

به عزّ عرض عالی می‌رساند که فدوی مع جمیع همراہیان بجمده تا به حال به
خیریت است و امید از درگاه باری تعالی شأنه این است که سرکار عالی هم به
خیریت باشید. تعلیقہ انیقہ جناب عالی نمرة ششم و ہفتم رسید. خیریت مزاج و ہاج
سرکار عالی معلوم شد، شکر خدا به جا آوردم. الحمد للہ کہ من به ہمراہی آن
کسانی کہ در مخصوصی غدیر مشرفّ نشدہ بودند، بہ تاریخ پانزدهم ماہ محرمّ وارد
عتبہ عالیہ نجف اشرف شدم و بجمده تازہ صحت یافتہ، اشرف بیگم و اطہر بیگم
سلمہما اللہ تعالی را بہ برکت آن سفر ہیچ کسالت ہم پیدا نکردند، و از ہم آن سبب
جناب سید صاحب ارادہ دارند کہ قبل اربعین روانہ ہندوستان بشوند و قدمبوسی
سرکار عالی حاصل بکنند. و ان شاء اللہ حق سبحانہ، خادم سرکار عالی را ہم با
مراد بہ شرف قدمبوسی مشرفّ بکند و سرکار عالی را مشرفّ بہ آن عتبات عالیات
بکند، بہ حقّ الحقّ و نبیّ المطلق، آمین ثمّ آمین. علماء آنجا حالا برای دید بندہ
نیامدہ اند، چرا کہ حالا مولوی شبیر حسن صاحب قبلہ حالا آنجا تشریف نیاوردہ اند
از کربلا، و فرمودہ بودند کہ تا من نیایم، ہیچ کس را اطلاع نخواہد کرد. امروز یا
فردا مولوی صاحب تشریف می‌آورند. باقی ہمہ بہ خیریت ہستند. جواب خطّ
میرزا کاظم محمد صاحب در ہفتہ آیندہ می‌نویسم.

عریضہ حقیر نصیر، از نجف اشرف، ۱۷ محرمّ سنہ ۱۳۳۱



از: نقوی کابلی، سید علم الہدی

به: سید ناصر حسین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

آستان مبارک حضرت حجة الاسلام مطلق آقای آقا سید ناصر حسین دامت
برکاتہ علی رؤوس الأنام

سلام من السلسال و الشهد أعذب و من نفحات المسك أحلى و أطيّب
على ذى جلال لست أحصى ثنائه و إن كنت ملئ الدهر أملئ و أكتب
سلام عليك يا ابن رسول الله و على آبائك عجل الله لكم الفرج و النصره و أسأله
أن يرينا فيكم السرور و الحبور و أن يمكّننا لدولتكم و يشرفنا فى عافيتكم.
و بعد القى إلى كتاب كريم من لدن حبيب عليهم همانا چون آب حیات بر ارض
جرز دل نازل فاهتزت و ربت دل را نور و خاطر را سرور بخشید هر حرفش مفتاح
فلاح و هر نکته‌اش موجب نجاح جوابی که راجع به حضرت مستطاب علامه نسّابه
سیّد شهاب الدّین مرعشی دامت برکاته بود رسانده و اینک نیز این رقیمه از ایشان و
اجمالاً عرض می‌کنم این سیّد بزرگوار شایسته هرگونه ابراز لطف و اظهار مرحمت و
محل انواع کرامات و در خور هر نوع مکرمت است.
و عریضه که قبلاً تقدیم داشته بودم هرچند در جواب به ارسال اجازه سرافراز و
مفتخرم فرموده بودید ولی مسئول این داعی غیر از آن بود که اکنون نیز معروض
می‌افتد.

۱. سلسله اجازات حضرتت را از والد ماجد خواسته بودم خواهشمندم که اجازه
خودتان را از مرحوم والدتان تا به معصوم مرقوم فرمائید.
۲. آخرین دفعه که مرحوم والد ماجدتان به اعتبار عالیات تشرف یافته‌اند چه
سالی بوده تاریخ آن را مرقوم فرمائید که این هر دو محل حاجت است.
در خاتمه سلامت وجود فیاضت را خواهانم جواب مکتوب به آدرس ذیل ارسال
گردد با جواب مراسله آقای مرعشی. (ایران، ملایر، علم الهدی النقوی الکابلی) به
تاریخ دوم ذی قعدة الحرام ۱۳۵۲.



از: نمازی غروی، فتح الله (شیخ الشریعه اصفهانی)
به: سیّد ناصر حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند امید آنکه ذات با برکات کثیر الخیرات آن جناب که از اعلام
بلاد و ادلاء رشاد و مشیّدین طریقه حقّه و افتخار طائفه محقه و سیف مسلول

و غضب مصقول بر اهل ضلال و الحاد و ناکبین از صواب و سداد و راکبین غی و فساد است پیوسته مهیب شمائم اقبال و مبسم ازهار آمال مصون از فتنه عین الکمال محفوظ به حفظ حضرت ذی الجلال بوده و باشد اگرچه تاکنون به انفاذ خطابی و ارسال کتابی از آنجا و عرض عریضه و اظهار ذریعه از این ضعیف اقدامی نشده الا آنکه بصیر ما فی الضمیر و خبیر به نقیر و قطمیر آگاه و گواه است که این داعی دائم وظیفه دعا را مراعی و در تقدیم به لطیفه ثنا قائم و ساعی بوده مساعی جمیله جلیله مرحومین مبرورین جدّ امجد و والد ماجد قدّس الله تربتهما اللطیفه در تشیید مذهب جعفری نه به حدّی است که تا دامنه قیامت کسی را از آنها غفلت و نسیانی رو دهد و از قرار مسموع فعلاً قائم به این سنّت سنّیه و طریقه انیقه شخص سرکار هستیید معلوم است دعاء امتداد و طول عمر آن جناب تالی فرائض است ضمناً زحمت می دهد که اجزاء رصینه متینه متعلق به حدیث باب مدینه شرف وصول بخشد و غایت نشاط و سرور و ابتهاج و حبور روی داد لا جعله الله آخر العهد ممّا بمثل هذا الاکرام و حفکم بانواع الفضل و الانعام.

من العاصی الجانی فتح الله الغروی
الاصبهانی المدعو بشیخ الشریعة
عفی الله عن جرائمه الفظیعة



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد شریف حسن خان صاحب

عالی جناب حاوی الفضائل و الفواضل عمدة الاجلّة و الامائل دامت مکارمکم الشریفة

بعد سلام و نیاز، عرض آنکه شنیدم که کتبخانه مظفر حسین خان را اولادشان می فروشند و ارزان می دهند به سبب بی قدری. هرچند به سبب آنکه وقف است علی ما سمع، قیمت ارزان دادن مشکل، لکن به سبب شوق به خدمت عرض است که اگر به خدمت مولوی علی حسین به الحاح و مبالغه در این باب تحریر فرمایید، شاید بعض کتب به دست آید. هر قیمتی که مقرر شود، از نزد خود عنایت سازند،

حقیر فوراً ارسال خواهم ساخت. لکن غالباً به اخفا فروخته باشند، پس تدبیری فرمایند که جناب مولوی صاحب ممدوح نام خود ظاهر نفرمایند، به واسطه کسی اخذ فرمایند. غرض بر تدبیری که مؤثر شود به عمل آید، و الشاهد یری ما لا یراه الغائب. اسماء کتب مطلوبه که به عاریت می خواستم، سابقاً نوشته‌ام و باز می نویسم و مشخص برایم نیست، بلکه برای کتب مذهب اهل حق و عقلیات هم اگر سیر شود، آن را هم خواهم گرفت.

در این باب، هر قدر سعی و کوشش خواهند فرمود، متت و احسان آن، تمام عمر فراموش نخواهد شد، و اجر جزیل و ثواب جمیل از ربّ جلیل که توقع آن است، خود بی حساب است، فقط.

حامد حسین



از: میر حامد حسین

به: نواب سید محمد علی خان صاحب

...

عالی مناصب والا مناقب عمدة الاجلة و الاکابر جناب نواب سید محمد علی خان

صاحب دام مجدکم

بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس خطی قبل از این به خدمت به ذریعه مولوی سید غلام عباس صاحب روانه شده، یقیناً جناب سامی نظر به اتحاد و روابط و مراسم قدیم و جدید، صلاح و مشورت و خیال و تعظیم و تکریم مولوی صاحب موصوف کرده باشند، و نیز در امری که مخصوص برای آن مولوی صاحب را فرستاده‌ام، هر آنچه در امکان جناب خواهد بوده سعی و کوشش خواهند فرمود. با این همه مکرر التماس است که جناب نواب صاحب والی خیرپور سنده، نواب محمد علی مراد خان صاحب بهادر دام اقباهم مدت پنج-شش سال است که به موجب درخواست جناب مولوی رجب علی خان صاحب بهادر مرحوم چند رویه ماهانه

وظیفه مقرر کرده بودند. مگر هنوز نوبت وصول نیامده، حالا چون جناب نواب صاحب بهادر دام اقبالهم در دهلی تشریف آورده‌اند، اگر صورتی پیدا شود، موجب اطمینان گردد. و چون کار من عین کار ذات عالی است، لهذا هر قدر در آن کوشش و سعی از ملازمان ممکن باشد فرمایند که موجب منت خواهد شد. زیاده تحریر و تأکید هم فضول می‌دانم. ملازمان را خود هر وقت خیال من می‌باشد. و السلام خیر ختام.

حامد حسین عفی عنه

۱۳ من ذی حجّة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: سیّد عبدالرحیم صاحب

۱
...

میر صاحب شفیق و مهربان، عنایت فرمای نیازمندان سیّد عبدالرحیم صاحب دام مجدهم

بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس اینکه زمانه گذشته که از حالات آنجا اطلاع نشده، مولوی سیّد غلام عباس صاحب که از خلص احباب و معتمدین نحیف هستند، به ذریعۀ ملتسمه، حاضر خدمت خواهند شد. زحمت فرموده از جمله حالات آنجا مطلع فرمایند که اطمینان شود، و نیز اگر مولوی صاحب در امری از امور از ملازمان استشاره فرمایند، ملازمان سامی در آن توجه خواهند فرمود.

و نواب علی مراد خان صاحب مدتی هست که برای نحیف وظیفه مقرر فرموده بودند و تا حال خبری از آن وصول نشده. مولوی سیّد غلام عباس را برای تحریک این امر زیاده‌تر فرستاده‌ام که تدبیر وصول آن نمایند. پس ملازمان عالی هم در این باب توجه فرمایند، و هر آنچه صلاح و مناسب می‌باشد، موافق آن، مولوی صاحب

تلقینی فرمایند، و خود به ذریعه وسایل و وسایط خود هم هرآنچه در امکان باشد،
کوشش فرمایند، فقط. مصدق حسین سلام می‌رساند

حامد حسین عفی عنه

۸ من ذی حجة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد حسین صاحب

...

جناب مولوی صاحب عمدة الاعیان مرجع الاماثل و الاقران جناب مولوی سیّد
حسین صاحب دامت معالیکم

بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس اینکه خطی به خدمت عالی به دست
مولوی سیّد غلام عباس صاحب روانه کرده‌ام. چنانچه از تحریر مولوی صاحب
دریافتم که به خدمت واصل شد. اگرچه به مقتضای محبت و عنایت سامی امید قوی
است که برای امری که مولوی صاحب گفته باشند کوشش در آن خواهند فرمود،
لاکن مکرر التماس است که جناب نواب علی مراد خان صاحب بهادر دام اقبالهم
والی سنده مدت پنج سال می‌شود که برای نحیف و وظیفه چند رویه ماهانه مقرر
کرده‌اند، مگر تا حال وصول نشده. اگر ملازمان عالی اندک توجه فرمایند و اوفی
کوشش نمایند، این امر انفاذ یابد و علی الدوام جاری مانده موجب اعانت و حمایت
مذهب شود. و اگر ممکن باشد از جناب گردون رکاب جناب نواب مختار الملك بهادر
در این امر استعانت فرمایند که اگر این جاری شود، گویا آب از دریا بخشیدن است.
بالجمله از ذات عالی امید قوی است که هرآنچه در این باب ممکن خواهد شد، در
آن دریغ نخواهند فرمود. و السلام خیر ختام.

حامد حسین عفی عنه

۱۳ من ذی حجة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: دیوان صاحب

جناب ینبوع المحاسن والمآثر، عمدة الاجلة والاکابر جناب دیوان صاحب دام اجلالهم بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس آنکه سابقاً ملتتمسه ارسال خدمت عالیہ کرده بودم، غالباً فائز خدمت شریف گردیده. مبالغی که سالانہ عنایت می شود از آن رفع بعض ضروریات می شود، و بالفعل ضرورت عدیده در پیش است، از آن جمله آنکه قریب یکصد و پنجاه صفحہ کاپنی (?) بلکه قدری زائد از حدیث منزلت نوشته شده، لکن خرج طبع آن مہیا نشده. پس در این باب و نیز دیگر مصارف مثل آن، ان شاء الله تعالی صرف خواهد شد، اگر مبالغ سالانہ عنایت شود. و چون برای اعانت دین این مبالغ عنایت می شود، لهذا در یاددهی آن جسارت رفت و الاّ خلاف دأب بود، فقط.

حامد حسین عفی عنہ



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد شریف حسن خان صاحب

...

جناب مولوی صاحب حاوی الفضائل السنّیہ و المناقب البھیّہ مولوی سیّد شریف حسن خان صاحب دام مجدہم بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس اینکہ در این ولا مولوی سیّد غلام عبّاس صاحب کہ از خلّص احباب و معتمدین هستند، معہ پروانہ سنده و ہدیّہ عبقّات و خط برای جناب والی سنده بہادر دام اقبالہم می رستہ. امید کہ ملازمان عالی ہم در این بارہ توجّہ بلیغ فرمایند و چنان شود کہ اجرای و انفاذ این وظیفہ گردد. در این باب ہر قدر مساعی ممکن باشد، خواہید فرمود، فقط.

حامد حسین عفی عنہ

۸ من ذی حجّہ سنّہ ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد شریف حسن خان صاحب

جناب مولوی صاحب حاوی الفضائل و الفواضل دامت الطافهم
بعد سلام، التماس آنکه بحمدالله و حسن توفیقه طبع جلد ثانی حدیث غدیر از
کتاب عبقات الانوار شروع شده است. و جلد اول حدیث غدیر غالباً به خدمت
رسیده یا از جگرانوضلع لودیانه طلب فرمائید. به سبب کمی سامان و اسباب در
طبع جلد ثانی بزودی رو می‌دهد. اگر موقع به دست آید، تصدّق علی خان صاحب
را در این باب یاددهی خواهند کرد، یا کسی دیگر را اگر مناسب باشد، ترغیب و
تخریص بر اعانت در این باب خواهند نمود و المجالس بالامانة، فقط.
حامد حسین عفی عنه



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد مقربّ علی صاحب

...

جناب مولوی صاحب حاوی الفضائل و الفواضل عمدة الاجلّة و الامثال جناب
مولوی سیّد مقربّ علی صاحب دام مجدهم
بعد سلام شوق، التماس اینکه دیروز خطّی به نشان پتیاله روانه کرده‌ام. در این
زمان مولوی سیّد غلام عباس صاحب که از خلّص احباب و معتمدین نحیفاند، برای
کوشش وصول وظیفه مقررّه سنده می‌فریسم، به خدمت عالی هم خواهند رسید.
از جناب سامی در این باب هر آنچه استشاره و غیره نمایند، جناب سامی در آن
توجه خواهند فرمود. و السلام خیر ختام.

حامد حسین عفی عنه

۸ من ذی حجّة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: رضا حسن خان صاحب

...

جناب عالی مناصب والا مناقب عمدة الاعیان و الاکابر منبع المحاسن و المفاخر
جناب رضا حسن خان صاحب دام مجدهم
بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس اینکه مولوی سید غلام عباس صاحب
به خدمت عالی به ذریعہ رقیمه خواهد رسید. اگر در امری از امور از ملازمان عالی
استشاره نمایند، توجّه خواهید فرمود. و السلام خیر ختام.

حامد حسین عفی عنه

۸ من ذی حجّة سنة ۱۲۹۳



از: سید حسن بن ابی القاسم طباطبائی

به: سید ناصر حسین

حضور مبارک حضرت مستطاب عماد العلماء الاعلام، سناد الفقهاء الکرام ناصر
الملة و الدین

حجت الاسلام و المسلمین، قبله الانام آقای مولوی آقا سید ناصر حسین دامت برکاته

به تاریخ ۲ رجب المرجّب ۱۳۳۵

سیدی و مولای ادام الله ظلکم العالی

به شرف عرض اقدس حضرت مستطاب عالی می‌رساند، بعد ابلاغ تسلیمات
خالصه وافی و اهداء ادعیه زاکیه صافیه، آنکه از آنجایی که عرایض متعدّدہ ارسال
حضور مبارک شده که غرض اصلی و مقصد کلی استعمال از صحت و سلامتی ذات
شریف با برکات آن جناب بوده به مقصود خود نائل نگشته و به وصول تعلیقہ
مبارکه مفتخر نشده، حتی دو ماه قبل هم دو طغری عریضه در مقام تسلیت از
والده مرحومه مکرمه اعلی الله مقامها و در تهنیت عروسی و شادی جناب آقای

عماد العلماء الاعلام و سناد الفقهاء الكرام، ملاذ الانام ثقة الاسلام آقا سيّد محمد نصير دام فضله السّامی انفاذ حضور مبارك شد مع يك طغرى عريضة از برای خود ایشان ايضاً، مرام حاصل نشد. اگرچه يقين دائم از راه عدم لطف نبوده، بلکه سه طريق مانع بوده، فعلاً طريق بغداد مفتوح، و عذر مرتفع، به نگارش اين عريضة مبادرت نموده، مصدّع اوقات شريف می‌گردم. مأمول از الطاف و مراحم آن سيّد و مولای خود - دامت برکاته - جز اعلام از حالات خجسته آیات حضرتش نمی‌باشد. اميد چنان است که مرحمت فرموده، دو کلمه دستخط در خصوص حصول آمال و انافی اين مخلص از آن ناحیه عالیّه پر فيض نائل شوم. پیوسته اين مخلص به وظیفه خود که بيان اوصاف حميده و خصايل پسندیده و مراتب شؤن معظم به قدر مقدور خودم در محافل و مجالس دوستان و شيعيان مولای متّقيان مترنّم و در هنگام تشرّف به عتبه بوسی سلطان مظلومان حضرت ابی‌عبدالله الحسين ارواحنا له الفداء و روضه مبارکه ماه بنی هاشم علم بردار، حضرت ابی‌الفضل عليه السلام مخصوصاً از آن جناب متذکّر است.

مراسله حضرت ملاذ الانام حجت الاسلام و المسلمين عماد الملة و الدین آقای آقا سيّد محمد صادق طباطبائی دامت برکاته، و متّع الله المسلمين بطول بقائه به نام نامی و اسم گرامی آن جناب مرقوم فرموده‌اند، در جوف عريضة ملحوظ نظر عنایت اثر خواهد گرديد.

استدعا از مراحم و الطاف کامله سيّد و مولای خود آنکه مکاتیب جوف را به ملازمان حضور مبارك امر فرموده ایصال دارند. خاصّه مکتوبی که از برای سرکار عظمت مدار نوّاب رامپور دام اقباله العالی است ایصال دارند. از آنجایی که بسیار شاقّ و صعب بود ایصال به سرکار ایشان، لذا زحمت افزا شد. ایّام افاضت و افادت مستدام باد. و متّع الله المسلمين بدوام خلودکم الی يوم القیام.

جواب را مرحمت فرموده رأساً ارسال بفرمایند بغداد، به توسط عمدة الاخيار خير الحاج و العماد حاج حسين ترك، ایشان از برای بنده ارسال می‌دارند به کربلائی معلی.
الداعی حسن بن ابی‌القاسم الطّباطبائی

[و اثر مهر ایشان]

از: سید عبدالحسین طباطبائی

به: سید ناصر حسین

محضر انور حضرت مستطاب علم الاعلام و ملاذ الانام ثقة الاسلام و مروّج شریعة جدّه سید الانام حجت الاسلام آقای آقا سید ناصر حسین دامت برکاته سیدنا و ملاذنا و مولانا اطلال الله بقاءك و متّع الله المسلمين بطول بقاءك به عرض عالی می‌رساند، همواره از خلاق عالم مسئلت می‌نمایم که ظلّ ظلیل آن خداوندگاری را بر سر قاطبه اسلام و اسلامیان باقی و مستدام بدارد.

همیشه اوقات از شاردین و واردین استفسار حالات حضرت مستطاب عالی را بنموده و از بشارت صحت آن ذات مقدّس دامت برکاته شکر و حمد حق را بنموده، امیدوارم که همیشه اوقات موفق و مؤید در تشیین دین مبین و آئین خیر المرسلین ﷺ بوده باشند. و چنانچه از احوالات این طرف استعلام فرمایند، تفصیل موکول است به حضرت مستطاب ثقة المسلمين الاعلام آقای حاجی سید احمد استرآبادی - دام فضله - و بحمدالله نعمت امنیّت برقرار است در جمیع نقاط عراق. محض اظهار اخلاص واقعی و ارادت قلبیه به این مختصر عریضه مصدّع اوقات مبارک شدم. ایام افاضت مستدام باد.

الداعی عبدالحسین الطّباطبائی

۲۳ ذی القعدة سنة ۱۳۳۶



از: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی

به: سید ناصر حسین

ششم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۳

جناب مستطاب ملاذ الانام شریعتمدار، عمدة العلماء الفخام سرکار مولوی سید ناصر حسین صاحب دام فضله

عرض می‌شود، ان شاء الله تعالی مزاج شرافت امتزاج آن جناب مستطاب سلیل الاطیاب عالی سلمه الله تعالی در کمال صحت و اعتدال است. امیدوارم که همواره اوقات در ترویج شریعت مقدّسه ساعی باشید. بعد، مقصود از مزاحمت آن جناب

این است که بعضی اعمال خیریه سرکار جلالت مدار اجل اکرم والی رامپور دام اجلاله العالی در نجف اشرف به دست جناب سلیل الانجاب آقا سید محمد کمونه طاب الله تراه بوده، از چراغ و سایر اعمال خیریه. حال چون که آقا سید محمد مشارالیه وفات و به رحمت ایزدی پیوسته، والد ماجد بزرگوارش جناب مستطاب سلیل الاطهار آقای حاجی سید علی کمونه، خادم المحضرت الحیدریه دام بقائه موجود هستند، و در زمان حیات مرحوم آقا سید محمد، خود جناب حاجی سید علی مباشر بوده بر این عمل خیریه، و فعلاً هم خود جناب حاجی سید علی مباشر است و مشغول هستند در اجراء آنها، مجملأ متوقعم که جناب عالی زحمت کشیده این امر را به اسم جناب حاجی سید علی کمونه، خادم آستانه مبارکه، درست نموده و امرنامه به اسم جناب معزّی الیه صادر نموده، ارسال نمائید، ان شاء الله مسامحه فرمائید.

جناب حاجی سید علی، بسیار آدم خوب و درست رفتار و خوش کردار هستند. و همیشه اوقات از سلامت مزاج مبارك اطلاع داده، اینجانب را مسرور فرمائید. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الاقل سید کاظم یزدی الطباطبائی

کتب مرسله به توسط مرحوم آقا سید محمد کمونه واصل نشد و معلوم نیست که چه شده است، معلوم باشد.

الاحقر محمد کاظم الطباطبائی



از: سید صدرالدین، سید اسماعیل موسوی عاملی

به: سید ناصر حسین

خدمت ذی سیادت جناب مستطاب شریعتمدار، عمدة العلماء الراشدین، ثقة الاسلام، ظهیر المسلمین، السید السند، الاجل المعتمد حضرت مولوی سید ناصر حسین دامت برکاته الشریفه

بسم الله الرحمن الرحيم و به تفتی

به عرض می‌رساند، اولاً ان شاء الله موفق به توفیقات ربانیه و مؤید به تأییدات سبحانیه صحیحاً سالمأ مشغول ترویج شریعت مطهره خواهید بود. ثانیاً جناب

مستطاب شریعتمدار ملاذ الانام ثقة الاسلام قرّة العین مسعود، آقای آقا شیخ محمود دام علاه نجل جلیل مرحوم علیّین مکان آیت الله آقای حاج میرزا حسین طهرانی نجفی قدّس سرّه به واسطه سدّ ابواب در این سنین محاربه و ضرریات وارده و جمعیت عیال و کثرت گرانی، مبلغی خطیر مقروض و امورشان در کمال سختی پریشان شده، لهذا مجبور به مسافرت گردیدند که شاید به عنایات ربانیّه و توجّهات ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین اصلاح پریشانی امور و اداء دیون و حلّ مشکلاتشان بشود. همت و سعادت و بزرگی جناب عالی و حقوق عظیمه مرحوم آیت الله بر عموم مسلمین مقتضی است که بذل توجه مخصوص و پذیرائی قابل لایق که در خور شأن جناب معزّی الیه و سرکار عالی باشد، در اصلاح امورشان بفرمائید که باعث مزید عزّت و سعادت و خیر دنیا و آخرت خواهد بود، و اینجانب هم مخصوصاً در اعتاب مقدّسه متبرکه، سرکار را از دعا فراموش نمی‌کنم، ان شاء الله تعالی. و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

الاحقر ابن صدر الدین العاملی
[و محلّ مهر: عبده اسماعیل الموسوی]



از: سیّد محمد کاظم یزدی طباطبائی

به: سیّد ناصر حسین

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب مستطاب سیّد العلماء الاعلام مروّج شریعة جدّه سیّد الانام ملاذ الاسلام آقای مولوی سیّد ناصر حسین دام تأییده بعد از دعای مزید توفیقات و تأییدات دینیّه و تقویت شریعت مقدّسه نبویّه و احوال پرسی، اظهار می‌دارد آنکه از قرار معلوم دو مقبره است در کربلای معلّی: یکی مقبره مرحوم اعتماد علی خان، و دیگری مقبره مرحوم داراب علی خان. و ظاهراً امر آن راجع به جناب عنبر علی خان می‌باشد. سابقاً به وساطت مرحومه حاجیه بی بی عجمی دائر بوده، و فعلاً چون امورات آن مرحومه من باب الوصایه راجع به جناب مستطاب شریعت مآب سیّد الافاضل الازکیاء و مروّج

شريعة الغراء قرّة العين محترم آقای آقا سیّد مصطفی کشمیری سلّمه الله است، مناسب آن است که هر این دو مقبره هم در کربلای معلی راجع به ایشان شود. و مرجو از محبت جناب عالی آنکه اهتمام تامی در این خصوص بفرمائید و از قبل این جانب هم به جناب عنبر علی خان ابلاغ نمائید که این دو مقبره به وساطت آقای معظّم له در کربلای معلی دائر باشد که ضمن حفظ شئونات جناب ایشان شده باشد و آسوده خاطر مشغول به وظائف مشروعه خودشان باشند. زاد الله فی تأییداکم، و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

محمد کاظم الطباطبائی

[و اثر مهر]



از: ابن صدرالدین، سیّد اسماعیل موسوی عاملی

به: سیّد ناصر حسین

۲۳ شعبان المعظّم ۱۳۲۴

خدمت جناب مستطاب شریعتمدار صدیق افتخار ملاذ الانام، مرجع الاحکام، آقای مولوی سیّد ناصر حسین صاحب متّع الله المسلمین بطول بقائه به عرض می‌رساند، ان شاء الله تعالی مدام در حفظ و حراست حضرت ملک علاّم عزّ اسمه مؤیّد به ترویج دین مبین حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اجمعین بوده، کافه انام از خواص و عام پیوسته مستفیض و مستفید باشند. مدتی گذشته که به عریضه‌نگاری مصدّع اوقات جناب سامی نگردیده، نوشته جناب سلیل الاطیاب آقا سیّد محمد مرتضی سلّمه الله تعالی چند ماهی قبل از این خدمت جناب سامی فرستاده، هر قدر جويا گردیده، خبری از وصول آن نوشته، به ایشان نرسیده، اکنون بهانه جسارت به عریضه، پس از استعلام و استخبار از سلامتی مزاج وهّاج جناب سامی این است که صاحب والا نواب کامیاب آقای محمد محسن خان مطالبی در نظر دارند، و استدعای انجام مرام از آن مرجع العام و الخاص دارند. رجاء واثق آنکه ملازمان سامی توجّهی کامل و عنایتی شامل فرموده، مقاصد ایشان را به کف کفایت آن ملازمان که موجب صلاح و سداد است انجام فرمایند. الحق جناب نواب

در عراق بسیار گرفتار گردیده‌اند، رفع ابتلاآت ایشان باید بشود، و بودن آن در کمال به موقع مورد است. ان شاء الله تعالی بیوسته منتظر اعلام سلامتی و هرگونه فرمایش و از انتظار در آوردن جناب آقا سید مرتضی می‌باشد. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

حرره الراجی ابن صدرالدین عاملی



از: حسینی شهرستانی، سید هبه‌الدین

به: سید ناصر حسین

از بمبئی ۲۳ شوال سنه ۱۳۳۱

حضور مبارك حضرت مستطاب شریعتمدار ثقة الاسلام علامه العلماء الأعلام نصیر الدین صدر المحققین جناب مولانا آقا سید ناصر حسین صاحب مدّ ظله العالی السلام علیکم و علی من لدیکم و رحمة الله و برکاته، علیه توکلنا بعد تقدیم شعائر ارادت و اخلاص و گزارش سلام و ستایش زحمت‌افزا می‌شود ان شاء الله تعالی وجود فیض نمود هماره از کافه مکاره محفوظ و به کلیه عنایات الهی محظوظ بوده و خواهد بود ضمناً تشکرات صمیمانه خود را از عنایت مدینه العلم عبقات الأنوار که عبقات انوار مدینه العلم بود تقدیم می‌نمایم.

چنانچه از تشریف‌آوری جناب برای مواده فقیر نهایت امتنان را حاصل فرمود فی الحقیقه این تشریف‌آوری نه تنها فقیر را موجب مزید تشکر و افتخار شد بلکه دفع يك غائله موهومه را نیز نمود کما اینکه اولین زیارت جناب بسیار تقویت خیال و عقد آمال به جهت اصلاح احوال قوم ضعیف ما کرده بود افسوس که سوء اخلاق بعض حاسدین و سوء افکار بعض مفسدین چاه راه گردید شرح این جمله مجمله موکول بر آن قریحه وقاده است البته ضمیر منیر از تحریرات و تقریرات این فقیر دریافته‌اند که عمده توجهاتم خاصّه در این سفر بر خطر سوی ابطال مساعی مضلّین نصارا و تنبیه غافلین مسلمین بوده و هست ان شاء الله تعالی و دشمنان هوشیار ما بیدار اقوال و اعمال این فقیر هستند لهذا هیچ از مکاید و مصاید آنان مأمون نیستیم که جماعتی را خفیه مقرر بنمایند برای القای اختلاف و تنافر بین علمای دین

و رؤسای مسلمین تا که هر يك از ایشان قوای مالی و حالی و مقالی خود را در اضمحلال دیگری صرف نماید و به علاوه انشغال علمای اسلام از معارضه دسایس اجانب خود به شمشیرهای خود یکدیگر را تباه نمایند و از برای آن ملاعین کفره میدان بدون زحمت خالی شود چنانچه تاریخ قدیم هندوستان و تاریخ جدید ترکی و ایران مصدق این عرض و محقق این فرض است.

فَللّٰهُ الْحَمْدُ كَمَا صَفَىٰ اَنْ قَلْبٌ تَصْفِيْهِ اِيْنَ اَبْ كَلٌّ وَّ حَلُّ اِيْنَ مُشْكَلٍ رَا رَغْمًا عَلٰى اَنْوَفِ الْاَغْيَارِ بِنَمُوْدٍ شَعْرٍ

مدعی خواست که آید به تماشاگه راز دست غیب آمد بر سینه نامحرم زد
البته اختلاف آراء نظریه متاع رایج اسواق علمای آفاق بلکه مجبول علیه اقوام
بشر است علی الاطلاق و هرگز منشأ تنافر قلوب و جدایی حبیب از محبوب و
اصغاء برای هر حاسد یا مفسد نخواهد گردید إن شاء الله تعالی.

باری مزید توفیقات جناب را همواره از حضرت احدیت خواستارم و به جهت
نجاح مقاصد و قبولی اعمال و سلامتی از آفات التماس دعا دارم چنانچه اتصال
سلسله تراسل و تواصل را در هر زمان و هر مکان امیدوارم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اقل خدام الشریعة الطاهرة هبة الدین الحسینی الشهرستانی

ضمناً پوشیده نباشد که سرور مکرم اخوی کوچک مرحوم حجة الاسلام و
المسلمین آقای آقا سید محمد باقر کربلایی قدس سره که نام شریف ایشان آقای آقا
سید حسن می باشد مدتی است به سبب کثرت دیون از عراق متوجه به این آفاق
شده بودند و به علاوه ابتلائی که در اغتراب کشیده اند خبر فوت مرحوم مرقوم
بسیار در ایشان مؤثر و این ایام عزم تشرف خدمت را داشتند و البته هنگام ملاقات
مراتب فضل و بزرگی و نجابت ایشان بر جناب پوشیده نخواهد ماند و بدیهی است
که الطاف عمومی جناب درباره ایشان خصوصیت خواهد یافت و السلام علیکم.



از: موسوی عاملی، سید صدر الدین صدر بن سید اسماعیل

به: سید ناصر حسین

بسمه تعالی

حضور حضرت مستطاب عماد الشیعة و ناصر الشریعة عمدة العلماء الأعلام و صفوة الفقهاء العظام سرکار شریعتمدار مولوی سیّد ناصر حسین صاحب آدم الباری ظلّه العالی علی رؤوس الأدانی و الأعالی

عرض می‌شود بعد از سؤال از سلامتی وجود شریف و دعای ازدیاد عمر و عزت سرکار سامی آنکه رقیه کریمه که یک جهان لطف و یک عالم مرحمت بود شرف وصول ارزانی داشت از سلامتی وجود مبارک نهایت مسرت حاصل گردید و از خبر وحشت اثر فوت آقازاده محترم زیاده از حد افسرده خاطر شدم و در این مصیبت شریک هم و غم سرکار عالی گردیدم خداوند عز شأنه را به مقربان درگاهش قسم می‌دهم که اجر جمیل و صبر جزیل به حضرت عالی و من یتعلق بکم کرامت فرماید و از عوض آنچه گرفته است مرحمت فرماید ﴿ان الله لا یخلف المیعاد﴾ و آقازاده محترم موجود را طول الله عمره را در تحت ظل ظلیل حضرت عالی به اعلی درجه کمال و اعلی مرتبه علم برساند الحق دعای آن جناب و متعلقین حضرت عالی و دوام عز و عزت آن خانواده اسلامی و حامیان مذهب مقدس جعفری بر هر کسی لازم است در خصوص فوت امیر الأمراء میرزا محمد عباس خان بهادر نورالله مضجعه و رفع فی الخلد مقامه اگرچه مخالطه با آن مرحوم نداشتم ولی چونکه مسبوق بر حالات خداپسندانه و خدمات اسلام پرستانه ایشان بودم کمال تأثر حاصل و طلب مغفرت به جهت آن مرحوم نموده و دوام سعادت و صلاح اعقاب و احفاد ایشان را از حضرت پروردگار خواهانم ایام عزت و شوکت حضرت عالی مستدام باد.

الأقل صدر الدین نجل السیّد الصدر

﴿﴾

از: موسوی عاملی، سیّد صدرالدین صدر بن سیّد اسماعیل

به: سیّد ناصر حسین

بسمه تعالی

خدمت سرکار شریعتمدار عماد الملة و الدین ثقة الاسلام و المسلمین جناب مولوی سیّد ناصر حسین صاحب دامت برکاته.

عرض می‌شود إن شاء الله مزاج مبارك سالم و از هرگونه ملال در کنف حضرت متعال مصون و چشم شریعت به وجود مبارك روشن باد بجمد و آله الأجداد اگرچه تا به حال در ظاهر روابط مراسلات و ارسال مکاتبات از طرفین جاری نبود لکن از آنجایی که بر هر مسلمانی لازم است که با کمال خلوص و خصوصیت در دعای سلامتی وجود مبارك کوتاهی نکند لازماً دعاگوی وجود مبارك هستم و پیوسته ذکر اوصاف حمیده و اخلاق جمیله حضرت عالی را زیب مجالس خود نموده ایام ترویج دین مبین را به سلامت مزاج و هاج و استقامت وجود ذیجود مستدام می‌خواهیم و بسیار میل داشتم به وسیله‌ای راه مراسله باز شود تا آنکه بحمدالله در کربلای معلی کتابخانه به همت بعضی اسلام‌پرستان باز شده که واقعاً اسباب رفاهیت طلاب و غیرهم شد این مطلب را وسیله گرفته عریضه‌نگار شدم اولاً اظهار اخلاص خود کرده باشم دیگر آنکه در باب مصارف کتابخانه خود طلاب فعلاً مصارف را به حسب رئوس می‌دهند یکی نیم قران دیگری يك قران و آن یکی دو قران در هر ماه و حال طلاب در امر معیشت معلوم و دشواری جمع نمودن این وجوه اعانه حاجت به شرح نیست فعلاً مصارف کتابخانه مع اجاره خانه ماهانه ۱۸ روپیه می‌شود و اوضاع عراق هم يك طوری است که تجار و اغنیاشان ابداً در این صدد نیستند اگر يك طوری می‌شد که طلاب را فضلا بر خوشنودی خدا و رسول و ائمه ممنون کرد و آسوده نمود چقدر خوب بود بعید نیست که سرکار شریعتمدار ملاذالانام آقای آقا حاج سید احمد استرآبادی هم به جناب عالی در این باب مکتوبی نوشته باشند إن شاء الله جواب را به توسط آقای معظم الیه زیارت خواهم نمود و اگر وجه اعانه ماهانه تعیین شد باید به توسط و نظارت آقای مذکور باشد.

(آقای صدرزاده)



از: سید احمد حسینی استرآبادی

به: سید ناصر حسین

حضرت حجة الاسلام آية الله في الأنام دامت برکاتهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و به ثقی

قبله و کعبه بنده به طریق دست بوسی عرضه می دارم که چون حواس حضرت عالی به واسطه علالت مخدرات جمع نبود سکوت بودم حال که خداوند عز شأنه به برکت ائمه انام علیهم صلوات الملك العلام همه را به صحت مخدرات خوش دل نمود و دیده مبارک را به سلامت ایشان روشن فرمود در حالی که کمال تشکر را از مراجع آن وجود ذیجود دارم رخصت نقل مکان می خواهم که فعلاً قریب چهار ماه است که مزاحم هستم و زیاد بر این ماندن در یکجا خیلی در انتظار مردم رکیک و بد است و خیال خانه شیخ را هم ندارم اولاً به جهت عدم اصرار ایشان ثانیاً به واسطه بودن اشخاص مختلف از عطار، بزاز و صراف و غیره که بنده در ضمن آنها لا شیء هستم خصوص که غالب اقارب شیخ اند عنوان بنده ضایع می شود خداوند - عز شأنه - يك وجود مبارک را این صفت داده که هرکس را به قدر شأن او ملاحظه فرموده قریب و بعید در نزد مکارم اخلاق آن قبله محترم فرقی ندارند بلکه اجنبی را زیادتراً ملاحظه دارید چنانچه وضع ائمه انام علیهم السلام بود لهذا استدعا دارم استدعای بنده نسبت به مولا آنکه اذن فرمائید تا هر محلی که خداوند مقدر فرموده بروم زیرا که کار بنده از قوه عباد خارج است تا ببینم کی خداوند فرج خواهد کرد امیدی به شیخ در مسئله معهوده دانستم آن هم خائب شد إن شاء الله مرحمت فرموده اذن خواهید فرمود باقی خداوند روز به روز بر عمر و عزت سرکار بیفزاید و جمیع متعلقین را سالم بدارد.

الأحقر احمد الحسينی الأسترآبادی

۲۹ محرم ۱۳۳۷



از: سید احمد حسینی استرآبادی

به: سید ناصر حسین

حضور حضرت مستطاب عمدة العلماء المحققین و قدوة الفقهاء و المجتهدین الحامی عن الدین و مروّج شریعت حضرت سید المرسلین مولانا الاکرم و مطاعنا المعظم

ابوالفضائل سرکار شریعتمدار جناب قبله محترم آقای سید ناصر حسین صاحب
مدّظّله و اطال الله عمره و ابقاه و خذل من ناصبه و عاداه

یا ناصر الشّیعة و یا حامی الشّریعة

و كنت ادعوك للجلی لتصرفنی و انت تتركنی فی الحادث الجلیلی
به شرف عرض اقدس عالی می‌رساند، هرگاه از آن مرحمت بی‌نهایت که با مخلص
خود، از احوالم خواسته باشید، من جمیع الجهات افسرده و از هر جهت دل مرده‌ام.
نه دستی آنکه با گردون ستیزم نه پائی آنکه از دوران گریزم
اگرچه شهدالله جناب سرکار کمال لطف و مرحمت را با مخلص دارند، لکن شرم از
احباب سرکار ایشان است که دائماً در صدور و وروداند و مکان مخلص هم بر سر
راه ایشان است، چنانچه در چهار شب قبل، دو نفر که به شخصاً می‌شناسم و به
واسطه تاریکی شب نه رؤیتاً از مقابل مکان مخلص عبور نموده، یکی به دیگری
می‌گفت: این کیست که در این مکان منزل دارد؟

دیگری جواب داد: فقیر است، از میرزا صاحب چیزی تمنا دارد.

این سخن آتش به جانم افکند. به خداوند جلّ شأنه قسم است، آن شب را تا
صبح خواب نکردم. الموت اولی من رکوب العار، لکن چه چاره با بخت گمراه
اکلف النفس مع علمی بعزتها و طئناً علی البیض او حملاً علی الأسل
روز و شب در گوشه مکان نشسته، و احدی نزد من نمی‌آید لا اقل احوالی بپرسد،
مگر جناب آقا میرزا محمد هادی صاحب و گاهی داروغه کاظم حسین و خود
سرکار هم چون طریق محلّ طعام میل فرمود نشان از پهلوی مکان مخلص است، در
هنگام طعام ایستاده، احوالی سؤال می‌کنند. باز هم ممنونم که بالمره ترك احوالپرسی را
نفرموده‌اند. اگرچه زمانه چنان مخلص را بی‌قدر نموده که این هم از برای من زیاد
است.

افّ لهذا الزّمان و تعساً لهذه الاّیام

کسی را که فعلاً مرحمت شعار و ذره بر خود می‌دانم، حضرت عالی هستید. و لهذا
در سفر قبل تمام مطالب قلبی خود را در حضور مبارک ابراز نمودم، و از برای من
کسری نیست.

خداوند حفظ کند سرکار حجت الاسلام آقای صدر را گاه گاهی که درد دل با مخلص می فرمایند، می گویند: شخص در نزد صنف خود اگر بیان احوال خود نماید شکستی نیست، مشروط بر اینکه رفیق شفیق هم باشد؛ ولی در حیرتم که سرکار بوجه من الوجوه اقدام در کار مخلص خود در این مدت چهارده روز که در لکهنو هستم، نفرموده‌اید!

آیا تقصیر از مخلص سرزده؟! با کمال ادب عذر می خواهم.

اگر مرحمت و لطف عام حضرت مستطاب عالی کم شده است، از خداوند ازدیاد آن را می خواهم. حاشا از بزرگی سرکار که مرحمت خود را با فدوی خود کم کرده باشید. ما هكذا الظن بك.

کسی را که برداشتید زمین نخواهید انداخت. آمدن این سفر، عمدۀ برای طلا کردن گلدسته‌های حضرت سیدالشهداء ارواح العالمین له الفداء است که لااقل در انظار مخالفین موهون نباشد و بالتبع برای ماهوار مخلص از رامپور ماهی شصت روپیه که فرمان داده شده از سرکار نواب در دفتر خزانه قید است از سنه دوازده تا شانزده مرحمت شده و از آن تاریخ که سنه شانزده باشد، نداده‌اند. الحق و الانصاف مروّت اقتضای دادن را دارد که از قید سخت قرض که کمر فیل را می شکند، آسوده شوم. و دادن ماهوار این سنین ماضیه که ده سال می شود، در نزد سرکار نواب رامپور قریب ندارد، مشروط به اقدام تامّ مشفقانه حضرت عالی. اگر بفرمائید که حرف سرکار پیشرفت ندارد، تعبداً قبول می کنم؛ لکن مفاد ما کان الله ینمو راسخ عقیده مخلص اوست، ابداً از جلالت قدر حضرت عالی کاسته نخواهد شد، بلکه افزوده می گردد. رفتن حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به وساطت نزد قصاب برای زن خادمه کاشف است به حق ولایت ائمه انام لاسیما حضرت امام امیرالمؤمنین علیه السلام. قسم است که حال تحریر این عریضه، در کربلا چهار هزار روپیه مدیونم، غیر آنچه را برای خرج آمدن قرض نمودم که تقریباً یکصد و پنجاه روپیه می شود. به ورود عین ده روپیه باقی داشتم برای بعضی مصارف خود. برای آمدن به لکهنو، پنجاه روپیه از آواره حاجی سید احمد تاجر یزدی قرض نموده که سی و دو روپیه کرایه ریل در سکن دادم مع کرایه وزن اسباب و بعضی مایحتاج لازمه گرفتم، فعلاً مقدار هشت روپیه آن باقی است. شما را به خدا ملاحظه فرمائید، سرکار نواب رامپور سالی

شش هزار روپیه می‌دهند به خدام مشاهد مشرفه که در اماکن متبرکه چراغ روشن کنند و اطعام نمایند. آنچه را سرکار ایشان خیال فرموده‌اند، وجود خارجی ندارد سهل است، بلکه وجود ذهنی هم ندارد. و تمام خرج واهیات می‌شود. باز اگر روشنی می‌افروختند، شهرت دنیوی از برای سرکار ایشان بود، آن هم بحمدالله نیست. و این مقدار جزئی را که سالی هفتصد و بیست روپیه می‌شود، مضایقه دارند و حال آنکه خیر دنیا و آخرت ایشان است. امیدوارم که بعد از خواندن عریضه مخلص به دقت در مسئله گلدسته‌ها و کار مخلص اقدام تام خواهید فرمود، و از همت بلند حضرت مستطاب عالی که همت خداداد خانوادگی است، قبل از آمدن برصات در تحت قبه مبارکه دعاگو باشم که سه ماه به برصات باقی است. شما را به خدا انصاف بدهید که از هر دو مسئله هنوالکف برگردم، چه حالی بر من خواهد گذشت، خصوص مسئله حضرت که در تمام کربلا و نجف و کاظمین مشهور شده که فلان کس برای این مطلب به هند رفته است، خصوصاً مخالفین و این مطلب هم بر سرکار عالی البته واضح است که اخلاص کیش چون آقایان دیگر که از بلاد خود می‌آیند، هر چند روز در يك شهر و يك قریه می‌روند و از هر جا خواه به عزت و خواه به ذلت در مدت چند ماه مقداری جمع نموده برمی‌گردند، مخلص نمی‌توانم. شرافت و عزت من مانع است از این کار در این مکان که در واقع مکان خود مخلص و مرحمت سرکار میرزا صاحب را با خود می‌دانم. مع ذلك هر ساعتی ماهی، و هر روزی سالی بر من می‌گذرد. پس در این صورت اگر به همت بلند سرکار که اسبابی است من عندالله، کار من درست نشود، از جای دیگر یقیناً نخواهد شد و به خواست خداوند و نظر ائمه مطمئنم از همت سرکار. خیلی زیاد مزاحم اوقات شریف شدم.

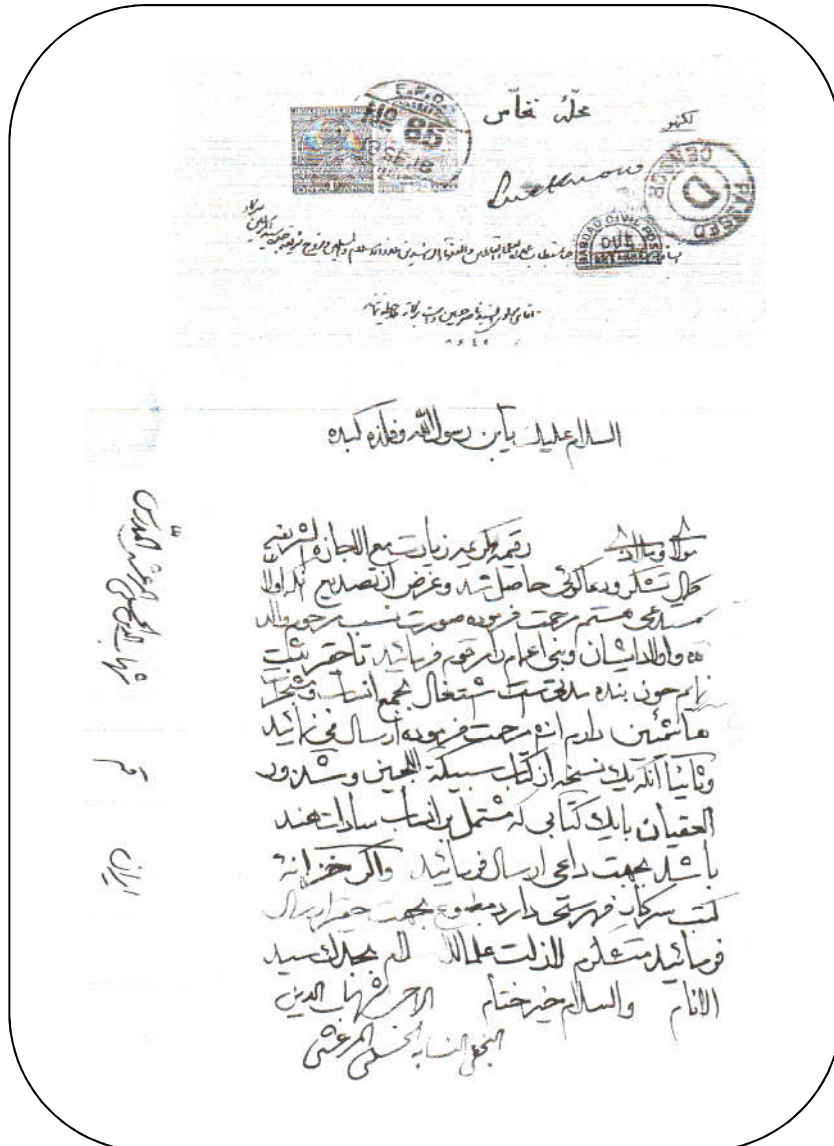
چکنم دلم گرفته غربت مورنر است دل قریب به پاره شدن است

امیدوارم چشم از زیاد عرض نمودن و جسارت من خواهید پوشید و به بزرگی و تقرّب جوئی به خدا در امور مخلص خواهید کوشید. باقی، ایام ترویج دین مبین و تشیید شریعت سید المرسلین به وجود مبارک مستدام باد بر بّ العباد.

دعاگوی از وطن آواره السید احمد الاسترآبادی

مورخه ۱۹ محرم ۱۳۲۶

نامه های آیت الله العظمی مرعشی نجفی به سید ناصر حسین



خداست حضرت سید محمد باقر علیه السلام را بر این ابرو القلم و اجزای
مولود می‌نویسم و این شمس الطلوع در روز چهارم
مهرماه

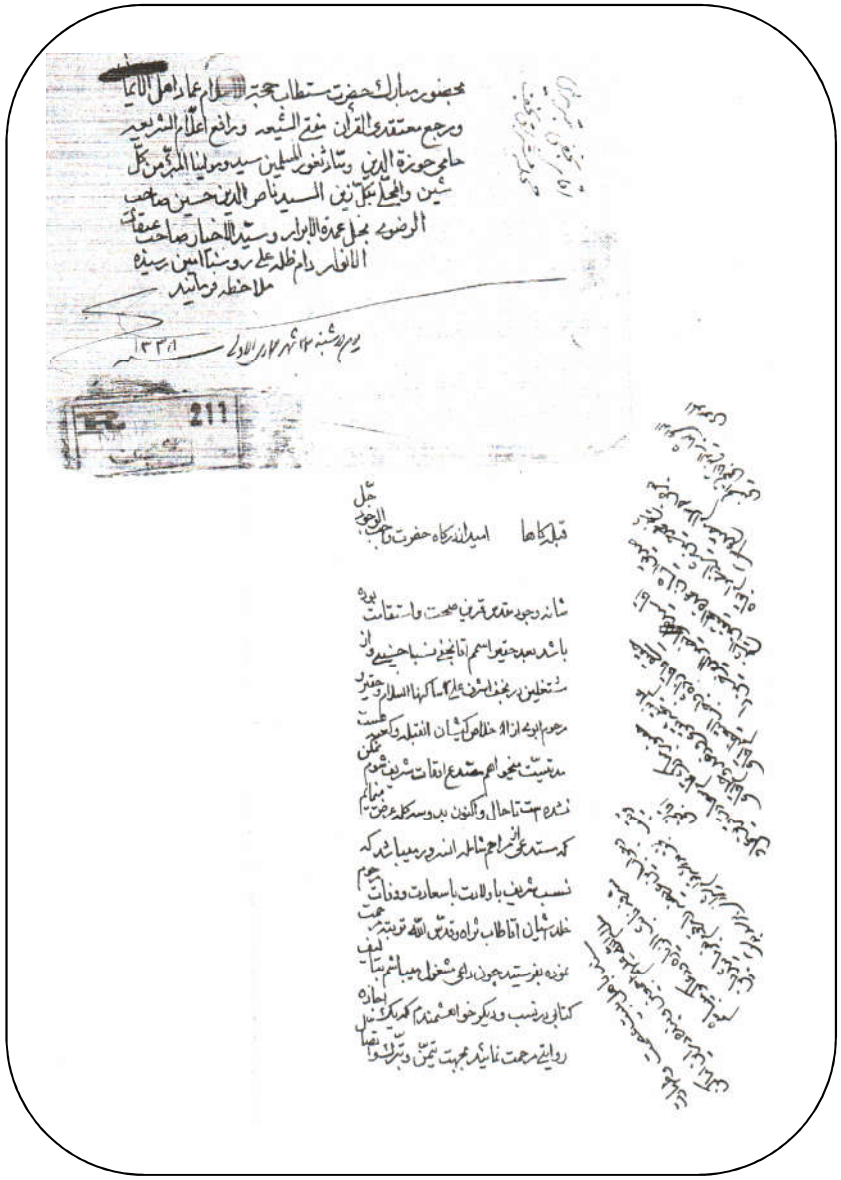
السلام علیک یا من رسول الله
والرحمة والبرکة

بدرت کماله و کماله یارب المصطفین
من الطریقین قد استجاب العبد
من حضرت توفیق السند و سید السلفین
اعنی عامت و علم تکلم العتمة العسکری
بشهرت من ربه فاکثرتم شفعا
و تقوی الکتاوت و کمال السید
و الطریق الاول ان الوصول الی
العند و هما هو الالان قد نصیب
مدا تدر و لم اخبر بان عدلی

السلام علیک یا من رسول الله
والرحمة والبرکة

بدرت کماله و کماله یارب المصطفین
من الطریقین قد استجاب العبد
من حضرت توفیق السند و سید السلفین
اعنی عامت و علم تکلم العتمة العسکری
بشهرت من ربه فاکثرتم شفعا
و تقوی الکتاوت و کمال السید
و الطریق الاول ان الوصول الی
العند و هما هو الالان قد نصیب
مدا تدر و لم اخبر بان عدلی

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی
سیدنا محمد و آله الطیبین
الطاهرین
و علی اهل بیتهم
الطیبین الطاهرین
الرضا
و علی اهل کونین
و علی اهل کربلا
و علی اهل قم
و علی اهل مدینه
و علی اهل تبریز
و علی اهل کاشان
و علی اهل اصفهان
و علی اهل همدان
و علی اهل کرمان
و علی اهل شیراز
و علی اهل یزد
و علی اهل کابل
و علی اهل هند
و علی اهل چین
و علی اهل سمرقند
و علی اهل بخارا
و علی اهل بلخ
و علی اهل نیشابور
و علی اهل مرو
و علی اهل خوار
و علی اهل ری
و علی اهل طبرستان
و علی اهل گیلان
و علی اهل مازندران
و علی اهل خراسان
و علی اهل سیستان
و علی اهل بلوچستان
و علی اهل سند
و علی اهل بنگال
و علی اهل آسام
و علی اهل آندامان
و علی اهل سولاویسی
و علی اهل مالاکا
و علی اهل جاوا
و علی اهل سوماترا
و علی اهل بورنیو
و علی اهل اندونزی
و علی اهل فیلیپین
و علی اهل مالزی
و علی اهل تایلند
و علی اهل لاوس
و علی اهل کامبوج
و علی اهل ویتنام
و علی اهل چین
و علی اهل ژاپن
و علی اهل کره
و علی اهل تایوان
و علی اهل هنگ کونگ
و علی اهل ماکائو
و علی اهل تایوان
و علی اهل هنگ کونگ
و علی اهل ماکائو
و علی اهل تایوان
و علی اهل هنگ کونگ
و علی اهل ماکائو



قبل کاها اسیدلنگاه حضرت آقا

شانه وجود مقدس زین العابدین حضرت و استقامت بود
 باشد صید حیات اسم آقا بجز نبی با حقیقتی که
 مستغنی از غیر است و علیاً آکا که اسرار و جود
 مردم ایمن از الا خلاص کسان انبیا و کتب
 مدینه نبی امجد مع انقضاء شریف هم
 نشود است تا حال و کفون بد و سطره عن
 که مستغرق با جمیع عالم اند و میباشند که
 نسبت شریف با رانیت با سعادت و فدای
 خلدن آقا طاب ثراه و قدسی الله تعالی
 بوزه بفرستد چون در حق شریف میباشند
 کتاب و نسیب و دیگر خواص عمده که در کتاب
 روایت رحمت ناسید رحمت آیت و برکتها

Handwritten notes on the right side of the page, including the number "211" and various lines of text in smaller script.

